

گونه‌شناسی تهدیدات نرم علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

اصغر افتخاری^۱

عزیزمراد مرادی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۲/۱۰

چکیده

تهدید نرم از پیچیدگی‌های بسیار زیادی برخوردار است. در تهدید نرم دشمنان معمولاً^۱ با استفاده از ابزارهای مختلف درصدد دستیابی به اهداف خود هستند. مقابله و مدیریت تهدید نرم در گرو شناخت درست از ابزارها و اهداف آن است. شناخت تهدید نرم، مستلزم واکاوی حوزه‌های مطالعاتی مختلف به‌ویژه در آموزه‌های دینی است. هدف اصلی این مقاله شناخت گونه‌های تهدیدات نرم علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است. و سؤال اصلی تحقیق "گونه‌های تهدید نرم علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) کدام‌اند؟" است. روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله، تبیینی-تحلیلی به استناد وقایع تاریخی معتبر و ابزار تحقیق، اسنادی کتابخانه‌ای بوده است. مهم‌ترین تهدیدات نرم علیه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حوزه‌های مختلف را می‌توان تضعیف رهبری با توسل به تهمت‌های ناروا و ترور شخصیت (تهمت جنون، تهمت ساحری، تهمت دروغ‌گویی، تهمت شاعری)، قداست شکنی مکتب و رهبری (تمسخر، استهزاء اسلام، پیامبر و عیب‌جویی از مؤمنان)، عدم اطاعت از پیامبر، انجام عملیات روانی (شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی، استفاده از شعر، شعار، سرود و ترانه، استفاده از هنر قصه‌گویی و نقالی، استعانت از علمای یهود برای تخریب و ابطال رسالت)، نفاق منافقان، موضع‌گیری قریش در برابر پیامبر و اسلام، مخالفت علنی قریش با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، کارشکنی یهود و مخالفت با اسلام (پیمان‌شکنی و ...) ایجاد کانون‌های توطئه و فتنه و شریعت‌سازی (نمادسازی) نام برد. بنابراین مطلوب است دولت‌های اسلامی در کشورداری و تأمین امنیت اجتماعی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را الگوی خود قرار دهند و با استفاده از روش‌ها و ابزارهای نوین هر عصر خود، ضمن شناخت دقیق تهدیدات، ملت خود را از هر خطری حفظ کنند. مدل تحلیلی تحقیق در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی به تفکیک هدف و ابزار مورد استفاده، به‌صورت ماتریس ارائه که در آن فراوانی تهدیدات نرم به اعتبار هدف، بیشتر از ابزار مورد استفاده به چشم می‌خورد.

واژه‌های کلیدی:

تهدید، تهدید نرم، اسلام، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، سیره، گونه‌شناسی تهدید نرم

^۱ دانشیار دانشگاه امام صادق علیه السلام

^۲ نویسنده مسئول و دانشجوی دکترای امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی - ma_v91dam@yahoo.com

مقدمه:

تهدید نرم به دلیل شرایط محیطی و حساسیت‌های نظری از اهمیت علمی بالا و پیچیدگی‌های بسیار زیادی برخوردار است. در تهدید نرم، بازیگران معمولاً با استفاده از ابزارهای مختلف درصدد دستیابی به اهداف خود هستند. با توجه به این‌که مقابله و مدیریت تهدید نرم درگرو شناخت درست از آن و ابزارها و اهدافش است، چنانچه گونه‌های متنوع و مختلف تهدید نرم به‌خوبی شناخته نشود، ضمن قرار گرفتن در معرض غافلگیری، از دست دادن فرصت و تحمیل خسارات متعدد، مدیران را در کنترل و مدیریت تهدید با مشکلات زیادی روبرو خواهد نمود. از آنجاکه تهدیدات نرم بسیاری امروزه متوجه کشورم است، شناخت پیچیدگی‌های تهدید نرم و شیوه‌های مدیریت آن، مستلزم واکاوی حوزه‌های مطالعاتی مختلف به‌ویژه در آموزه‌های دینی است. از طرفی شناخت گونه‌های تهدید نرم در سنت نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) و شیوه‌های نبی مکرم اسلام صلوات الله علیه و آله در برخورد با این تهدیدات و نوع مدیریت ایشان (که در نوع خود بهترین شیوه برخورد و مطلوب‌ترین نوع مدیریت است)، راهگشای مناسبی در شناسایی و مدیریت تهدیدات نرم خواهد بود، بنابراین مطالعه و واکاوی سیره و سنت پیامبر اکرم در این زمینه و دیگر جنبه‌ها و زمینه‌های زندگی و مدیریتی اهمیت فراوان داشته و ضروری است. این تحقیق با هدف شناخت گونه‌های تهدید نرم علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به اعتبار ابزار مورد استفاده و هدف صورت گرفته و محقق به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که "گونه‌های تهدید نرم علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) چه بوده است؟" برای این منظور محقق تلاش می‌کند، با استفاده از منابع، متون و کتب مستند تاریخی موجود در این زمینه، تهدیدات نرم علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی مورد بررسی و مطالعه قرار داده و ارائه نماید.

مبانی نظری و ادبیات تحقیق**۱- مفهوم شناسی تحقیق****۱-۱- تهدید**

تهدید، موضوعی پیچیده، چندبعدی، نسبی و زمینه‌وند است (افتخاری، ۱۳۸۵، الف: ۲۸-۲۰). از لحاظ لغوی به معنای ترساندن، بیم دادن و بیم بکار رفته است (معین: ۱۳۷۵: ۱۲۷۳). از نظر اصطلاحی تهدید آن اقدامی است که با انگیزه ضربه زدن به منافع بازیگر مقابل صورت می‌گیرد.

(مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۷-۱۷۷) بر این اساس تهدید ملی به آن بخشی از قابلیت‌ها یا نیات و اقدامات دشمن خارجی اطلاق می‌شود که می‌تواند موجب تضعیف روحیه ملی و عدم انجام موفقیت‌آمیز هدف‌های ملی گردد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ب: ۳۲) در مقام جمع‌بندی می‌توان چنین اظهار داشت که: تهدید عبارت است از نوعی مخاطره نسبت به منافع بازیگر که امکان مدیریت آن در چارچوب اصول و ضوابط قانونی، با هزینه قابل قبول و از طریق اصلاحی، به دلیل شیوع علائم نظری و کاربردی آن وجود ندارد. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۶)

۲-۱- تهدید سخت

تهدید سخت به تهدیداتی گفته می‌شود که ماهیت تهدید ناظر بر مقولات عینی و محسوس و روش به‌کاررفته برای این منظور متضمن خشونت است، مانند تهدید به اقدام نظامی برای تصرف سرزمینی یا ساقط کردن یک نظام سیاسی. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۵۰)

۳-۱- تهدید نرم^۱

از تهدید نرم تعاریف متعددی در منابع داخلی وجود دارد که تهدید نرم دلالت بر آن دسته از تهدیداتی دارد که ریشه در خواسته‌های شهروندان، عدم کارآمدی نظام سیاسی یا ضعف ایدئولوژیک قدرت دارند. (افتخاری، ۱۳۸۹- الف) تهدید نرم اقدامی بر ضد اصول، ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و انگیزش‌ها است که افزون بر تغییر دیدگاه می‌تواند رفتار و منش بازیگر را در میان مدت یا بلندمدت تغییر دهد. (نائینی، ۱۳۸۹) تهدید نرم هرگونه اقدام غیرخشونت‌آمیز که ارزش‌ها و هنجارهای را مورد هجوم قرار داده و در حد نهایی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدیدی شود که با الگوهای رفتاری نظام حاکم تعارض داشته باشد. (گروه مطالعاتی امنیت ملی، ۱۳۸۸: ۱۰۱) اما درمجموع می‌توان گفت: تهدید نرم به تهدیداتی اطلاق می‌شود که ماهیت آن‌ها ناظر بر مقولات ذهنی است و با به‌کارگیری ابزارهای غیرخشونت‌بار همراه است، مانند استفاده از رسانه برای تضعیف مشروعیت یک نظام سیاسی. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۵۰)

۴-۱- سنت نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم)

اندیشوران لغوی «سنت» را به معنای طریقه، روش و سیره اعم از سیره نیک یا سیره بد دانسته‌اند. (الجوهری، ۱۳۹۹ ه.ق: ۲۱۳۸، ابن منظور، ۱۴۱۹ ه.ق، ج ۳: ۳۹۹، الطریحی، ۱۴۱۶ ه.ق: ۴۳۶، الاصفهانی، ۱۴۲۷ ه.ق: ۴۲۹)

^۱Soft threat

در اصطلاح علمای اصول، سنت عبارت از فعل، سخن و تقریر پیامبر (اگر در مقام قانونگذاری باشد) است. در این میان شیعه در معنای سنت قائل به توسعه و تعمیم شده است و آن قیدی را که علمای اصول ذکر کرده‌اند را برداشته و سنت را عبارت از کلیه افعال و سخنان و تقریرهایی می‌داند که از معصوم (اعم از پیامبر و ائمه (علیهم السلام)) سرزده باشد. (حکیم، بی تا: ۶)

۵-۱-هدف تهدید

هدف تهدید آن موضوع یا حوزه‌ای است در گستره منافع تهدیدشونده که مورد توجه تهدیدگر واقع می‌شود. اگر تهدید به سمت بیرون و عینی برود تهدید سخت می‌شود. (اشغال سرزمین و...) تهدید اگر به سمت درون و ذهنی برود، تهدید نرم می‌شود (تحول در زمینه ادراکی و معرفتی) (افتخاری، ۱۳۹۱: ۳۶-۴۵)

۶-۱-ابزار تهدید

ابزار یکی از عناصر مهم نظریه امنیت یا تهدید است. وسیله‌ای که توسط آن تهدید یا امنیت اعمال می‌شود. بعضی از نویسندگان ابزار را معیار سخت و نرم بودن تهدید می‌دانند. اگر ابزار به سمت فیزیکی برود و خشونت‌بار باشد تهدید سخت می‌شود (تهدید نظام، ترور و...). اما اگر تهدید به سمت غیر فیزیکی برود و مسالمت‌آمیز (نرم افزاری) باشد تهدید نرم تلقی می‌شود (رسانه، فیلم، ترور شخصیت و...) (افتخاری، ۱۳۹۱: ۳۶-۴۵)

۲- مبانی نظری

۱-۲-معیارهای شناخت گونه‌های تهدید نرم

در تهدید نرم، از ابزار فرهنگی و با هدف تأثیرگذاری بر ذهن‌ها و باورها استفاده می‌شود. تهدید نرم را می‌توان مجموعه‌ای از اقدامات دانست که موجب تغییر و دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری موردقبول یک نظام سیاسی می‌شود. در تهدید نرم عامل تهدید، بدون منازعه فیزیکی و استفاده از نیروی نظامی و لشکرکشی و به راه انداختن جنگ، تلاش می‌کند تا خواست و اراده خود را به طرف مقابل تحمیل و آن را به رفتار مطلوب مورد نظر خود وادارد. تهدید نرم با اتکاء به قدرت نرم انجام می‌شود. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۴۴-۴۳)

۲-۲-ابعاد تهدید نرم

تهدید نرم نیز مانند تهدید سخت، دارای ابعاد گوناگون نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و... است. البته در تهدید نرم، تجلی و نمود ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نسبت به

دیگر ابعاد بیشتر است و اهمیت بیشتری دارد که به اجمال این ابعاد را معرفی می‌کنیم. (گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی، ۱۳۸۸: ۱۰۱-۱۰۹)

۱-۲-۲- تهدید نرم در حوزه سیاسی

تهدید، اعم از سخت و نرم در حوزه سیاسی، در پی ایجاد بی‌ثباتی در سازمان دولت است. ایدئولوژی به‌عنوان مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و ایده‌ها، چرایی مشروعیت حکومت حاکم و هویت و ماهیت آن را تشکیل می‌دهد. بنابراین، اگر تهدید نرم بتواند ایدئولوژی کشور مورد تهاجم را به چالش بکشد، بخش زیادی از نقش خود را در ایجاد بی‌ثباتی ایفا کرده است.

۲-۲-۲- تهدید نرم در حوزه فرهنگی اجتماعی

در بعد فرهنگی مواردی مانند فرهنگ، هنجارها، ارزش‌ها و هویت، از جمله مؤلفه‌هایی هستند که فقدان یا مخدوش شدن آن‌ها زمینه‌ساز تهدیدات نرم داخلی و حتی شکل‌گیری تهدیدات سخت افزایی و حمله نظامی دشمنان بیگانه است. بنابراین، هرگونه اقدامی که به تغییر در الگوهای رفتاری منطبق با ارزش‌های نظام حاکم بیانجامد در زمره تهدیدهای نرم آن حوزه قرار می‌گیرد. ویژگی مهم این بعد در مقایسه با دیگر ابعاد، فراگیر بودن و تداوم آن است. این ویژگی تهدید فرهنگی را به تهدیدی اساسی بدل می‌سازد.

۳-۲-۲- تهدید نرم در حوزه اقتصادی

بی‌تردید، ناتوانی دولت در تأمین نیازها و رفاه اقتصادی مردم موجب نارضایتی ملت و به تبع آن کاهش مشروعیت و مقبولیت نظامی می‌شود. فعالیت‌هایی که به صورتی فرآیندی و در بستر زمان، فرهنگ حاکم بر اقتصاد را تغییر دهد، مانند تغییر الگوهای مصرف، تولید و توزیع به گونه‌ای مغایر با مبانی ارزشی نظام مستقر ترویج نماید و با رسوخ نظریه‌های جدید اقتصادی مبتنی بر لیبرالیسم و تأکید بر مصرف‌گرایی که در تضاد با هنجارهای پذیرفته شده نظام سیاسی از قبیل قناعت، ساده زیستی و... است، در زمره تهدیدات نرم حوزه اقتصادی به شمار می‌رود.

۴-۲-۲- تهدید نرم در حوزه دفاعی-امنیتی

هرگونه اقدامی که منجر به تغییر در فرهنگ و الگوهای دفاعی گردد و عناصری مانند روحیه مقاومت، ایثار، شهادت طلبی، توکل و... را نادیده بگیرد در زمره تهدیدات نرم حوزه نظامی قلمداد می‌شود. تهدیدات نرم دیگری که در این حوزه خود نمایی می‌کند مربوط به مقوله تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است که به حوزه اطلاعات بر می‌گردد. (گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی، ۱۳۸۸:

۳-۲- رویکرد نرم افزارگرایی هدفگرا

«هدف»، نزد این دسته از اندیشه گران عبارت است از خواسته‌هایی که به صورت مشخص و معین و در بازه زمانی محدودی توسط تهدید گر، دنبال می‌شوند. این تلقی، مطابق تعریف ارائه شده از «اهداف معین»^۱ در بحث شناسایی غرض تهدیدگر است بر این اساس، مشخص می‌شود که تهدیدات را می‌توان با توجه به ماهیت هدف مورد نظر تهدیدگر، تفکیک کرد: اگر هدف تهدید، عینی^۲ و محسوس^۳ باشد، از آن می‌توان به تهدید سخت تعبیر کرد (مانند اعمال تهدید برای تصرف سرزمینی یا اعمال سلطه بر منابع طبیعی دیگر بازیگران)؛ اما اگر هدف مورد نظر، ذهنی^۴ و غیر محسوس^۵ باشد، در آن صورت تهدیدی نرم خواهد بود (مانند اعمال تهدید برای تغییر دادن ماهیت ذهنیت‌ها، تصورات، باورها و ...). (افتخاری، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۳)

۴-۲- رویکرد نرم افزارگرایی ابزارگرا

در این مکتب، تهدیدات با توجه به «ابزار» به کار رفته برای اعمال تهدید، قابل تفکیک به سخت و نرم هستند. «ابزار تهدید»، از جمله موضوعاتی است که ذیل عنوان کلان «فیزیک تهدید» آمده است و به صورت سنتی مقوله‌ای عینی ارزیابی می‌شود که مواردی چون سلاح، تعداد افراد، پول و ... را در بر می‌گیرد. امروزه شاهد طرح ابزارهای جدیدی برای اعمال تهدید هستیم که جنس آن‌ها مشابه موارد پیشین نیست و نمی‌توان آن‌ها را سخت افزارانه ارزیابی کرد. این ابزارها شامل امواج، بایت‌ها، کلمات و ... می‌شوند که هر روز بر تعداد و انواع آن‌ها افزوده شده و به شکلی متفاوت از ابزارهای سخت عمل می‌کنند.

در نتیجه این تحول شاهد تفکیک دو گونه متفاوت از تهدیدات هستیم. نخست، تهدیدات سخت که از طریق ابزارهای خشونت آمیز اعمال می‌شوند (مانند تهدید نظامی که با فعال سازی پایگاه‌های نظامی معنا می‌شود) و دوم، تهدیدات نرم که به وسیله کاربرد ابزارهای غیر خشونت آمیز شکل می‌گیرند (مانند استفاده از رسانه‌ها برای تحت فشار قرار دادن دیگران). (افتخاری، ۱۳۹۱: ۴۳-۴۲)

¹ Targets

² Objective

³ Tangible

⁴ Subjective

⁵ Intangible

۵-۲- رویکرد نرم افزارگرایی ترکیبی

بعضی از نویسندگان در پی ترکیب دو رویکرد فوق برآمده‌اند تا از این طریق رویکردی جامع را ارائه نمایند. یعنی از ترکیب و تجمیع ابزار و هدف استفاده می‌کنند. مطابق این رویکرد، تهدیدات نرم تابعی از تغییرات حاصل آمده در دو حوزه اصلی "هدف و روش (ابزار)" هستند. این دیدگاه در متون مطالعاتی اثبات شده است و به تحلیلگران این امکان را داده است تا علاوه بر تهدید سخت و تهدید نرم، از دو عنوان تکمیلی "تهدیدات نیمه سخت" و "تهدیدات نیمه نرم" نیز استفاده نمایند. اگر هدف عینی و ابزار غیر فیزیکی باشد، تهدید نیمه سخت است و اگر هدف ذهنی و ابزار فیزیکی باشد، تهدید نیمه نرم می‌باشد. مطابق دیدگاه این نویسندگان می‌توان گونه‌های اصلی تهدیدات را به تهدیدات سخت، نیمه سخت، تهدید نرم و نیمه نرم مطابق جدول زیر معرفی نمود.

هدف	ابزار	فیزیکی (خشونت بار)	غیر فیزیکی (غیرخشونت بار)
عینی (محسوس)	تهدید سخت	نیمه سخت	
ذهنی (غیر محسوس)	نیمه نرم		تهدید نرم

اگر چه این رویکرد نزد تحلیلگران مدرن در حوزه امنیت پژوهی مورد توجه قرار گرفته اما تاکید بر مفهوم تهدید نیمه نرم/نیمه سخت آن را آسیب پذیر کرده است. مصادیقی که ذیل یکی از این دو عنوان (نیمه سخت، نیمه نرم) قرار می‌گیرند عملاً "قابل تحویل به یکی از دو حوزه اصلی سخت و نرم هستند. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۵۱-۵۰)

۶-۲- الگوی تحلیلی فضا محور

الگوی مناسب برای شناخت، تحلیل و مدیریت تهدیدات نرم، الگوی تحلیلی فضا محور است. در این الگو، هر پدیده در قالب سه فضای اصلی قابل شناسایی و تحلیل است که عبارتند از: پیشاتکونین، فنا و بقا. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۴۶)

۱-۶-۲- فضای پیشاتکونین

فضای پیشاتکونین عرصه معرفی قوانین برخاسته از اراده شارع است و اینکه پدیده در پرتو سنتهای (همچون امداد الهی، دفاع الهی، تقوا و...) معنا و مفهوم می‌یابند. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۴۶) فضای پیشاتکونین تابع اراده و قواعد قطعی الهی است و بر تمام الگو حاکم است. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۴۲) منظور از فضای پیشاتکونین، بعدی از وجود است که قبل از پدیدار شدن

عینیات و موجود شدن پدیده (تکوین)، فعال می‌شود و بر آن تأثیر می‌گذارد. (افتخاری، ۱۳۹۱:

۲۰۶)

۲-۶-۲- فضای فنا

فضای فنا در برگرفته حوزه روابط مادی و عینی است و ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی را در بر می‌گیرد. منظور از فضای فنا، دوره‌ای است که با عینیت یافتن مقولات در ساحت ماده (تکوین) شروع می‌شود و تا حد موسوم به «رمیم» (مقطع پوسیده شدن و نابودی ظاهری در واژگان به کار رفته در قرآن کریم) ادامه می‌یابد. فضای فنا عرصه اصلی حیات مادی را شکل می‌دهد که دارای ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی است. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۰۷، ۲۰۸ و ۲۴۲) فضای فنا در مطالعات عرفی به شدت مورد توجه است و در قالب ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی به آن پرداخته شده است. این ابعاد عبارتند از:

۱-۲-۶-۲- بعد فردی: به حوزه‌ای اطلاق می‌شود که در آن، پدیده‌ها مستند به علایق و سلیقه‌های فردی تعریف و ارزیابی می‌شوند. منظور از تهدید نرم در سطح فردی در این تحقیق، تهدیداتی است که در خصوص شخص پیامبر اعمال می‌شده و با استفاده از روش‌های مختلف شخصیت و هویت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را هدف قرار می‌دهد. و به تغییراتی اشاره دارد که به ایجاد تحول منفی در افراد و رویگردانی آن‌ها از اصول اسلامی منجر می‌شود.

۲-۲-۶-۲- بعد اجتماعی: به حوزه‌ای اطلاق می‌شود که در آن، پدیده‌ها مستند به شبکه روابط اجتماعی (منافع دیگران) تعریف و ارزیابی می‌شوند. رفتارهای اقتصادی، اقدامات دسته جمعی، سیاست‌های فرهنگی و ... در این بعد قرار دارند. در این تحقیق منظور از تهدید نرم در سطح اجتماعی، تهدیداتی است که به‌طور جمعی یا اجتماعی علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مسلمانان توسط دشمنان انجام می‌شده است. و به تحولاتی اشاره دارد که به ایجاد تحول منفی در جامعه و رویگردانی جمعی آنان از اصول اسلامی منجر می‌شود.

۳-۲-۶-۲- بعد سیاسی: به حوزه‌ای اطلاق می‌شود که در آن، پدیده‌ها در ارتباط با قدرت سیاسی تعریف و ارزیابی می‌شوند. اقداماتی چون تحزب و مخالفت‌ها یا حمایت‌های سیاسی در اینجا قابل بحث هستند. منظور از تهدید نرم در سطح سیاسی در این تحقیق، تهدیداتی است که بر قدرت رسمی حکومت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پهلو می‌زند و علیه حاکمیت اسلامی ایشان انجام می‌گرفته است.

۴-۲-۶-۲- بعد امنیتی: به حوزه‌ای اطلاق می‌شود که در آن، شاهد تعارض پدیده‌ها با قدرت سیاسی حاکم هستیم. انواع رفتارهای تعارض جویانه و براندازانه در این راستا مورد توجه قرار می‌گیرند. (افتخاری، ۲۰۸:۱۳۹۱) منظور از تهدید نرم در سطح امنیتی در این تحقیق، تهدیداتی است که در تعارض و تضاد با نظام اسلامی و حاکمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) صورت می‌گرفته است.

۳-۶-۲- فضای بقا

فضای بقا ناظر بر آخرت است و از نسبت بین تهدیدات عینی دنیوی با مؤلفه‌های نرم افزارانه و اخروی سؤال می‌کند. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۴۲) از حیث کاربردی، این فضا دربرگیرنده آخرت است که امتداد فضای فنا است. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۰۹) توجه به فضای آخرت، یعنی ارتباط میان تهدیدات دنیوی با آثار و پیامدهای آن در سعادت و کمال نهایی انسان، بعدی تازه از "تهدید نرم" را در گفتمان اسلامی برجسته می‌کند که مکاتب فکری عرفی گرا کاملاً از آن غافل‌اند. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۴۷)

۷-۲- چارچوب نظری

در این تحقیق تهدیدات نرم علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بر اساس الگوی تحلیلی فضا به اعتبار اهداف و ابزارهای مورد استفاده در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و از آنجا که مسلمانان و حکومت اسلامی هم مربوط به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌شده‌اند نیز مد نظرند. در پایان دستیابی به یک مدل تحلیلی مطلوب به مانند زیر خواهد بود.

ابزار	هدف	معیار تهدید
		سطح تهدید
		سطح فردی تهدید نرم
		سطح اجتماعی تهدید نرم
		سطح سیاسی تهدید نرم
		سطح امنیتی تهدید نرم

۸-۲- پیشینه تحقیق

در زمینه گونه‌شناسی تهدیدات نرم پژوهش‌هایی از جمله گونه‌شناسی تهدید در قران کریم توسط دکتر افتخاری و رضاعلی عبدی در دانشگاه عالی دفاع ملی انجام و کتبی از جمله تهدید نرم با

رویکرد اسلامی توسط دکتر افتخاری و تهدید نرم و راهبردهای مقابله توسط دانشگاه عالی دفاع ملی تألیف گردیده لیکن در زمینه گونه شناسی تهدید نرم در آموزه‌های دینی و به‌ویژه در سنت پیامبر کمتر پژوهشی انجام شده و بخصوص تحت عنوان تهدید نرم علیه پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) تحقیقی صورت نگرفته و در نوع خود منحصر به فرد است.

۹-۲- نوآوری تحقیق

از آنجاکه مطالعه در منابع و متون اسلامی و واکاوی آموزه‌های دینی در موضوعات مختلف به‌ویژه در مسائل روز (تهدیدات نرم امروزه یکی از موضوعات مبتلابه جامعه است) همواره از اهمیت زیادی برخوردار بوده و توسعه این مطالعات باعث جاری شدن آموزه‌های اسلامی در تمامی امور زندگی افراد و اداره جامعه می‌گردد. و از طرفی با توجه به اینکه این تحقیق با مطالعه منابع و متون دینی و معتبر و مستند انجام و تهدیدات نرم علیه پیامبر اکرم را مورد واکاوی و تجزیه و تحلیل قرار داده و محقق مدل جدیدی در این رابطه برای آن ارائه نموده است، از نوآوری مناسبی برخوردار و در نوع خود قابل توجه است.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق به لحاظ نوع، کاربردی توسعه‌ای و به لحاظ روش با استفاده از روش تبیینی-تحلیلی و ابزار و روش گردآوری اطلاعات، اسنادی کتابخانه‌ای به استناد وقایع تاریخی معتبر و فیش‌برداری از منابع و کتب معتبر تاریخی صورت گرفته و بر اساس معیارهای شناخته‌شده برای گونه‌های تهدیدات نرم و تعاریف ابعاد و رویکرد مورد استفاده، گونه‌های تهدید نرم در سطوح مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی، و امنیتی علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شناسایی، استخراج و دسته‌بندی می‌گردد.

یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن‌ها

۱- گونه‌های فردی تهدید نرم علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

۱-۱- تضعیف رهبری با توسل به تهمت‌های ناروا و ترور شخصیت

وارد ساختن تهمت، ترور شخصیت و زدن برجسب‌های ناروای متعدد از گونه‌های تهدیدات نرم و شگردهای تبلیغاتی اشراف مکه برای خنثی کردن برنامه‌های الهی نبی اکرم بود. آنان در این ترفند و سیاست می‌کوشیدند تا ارزش تبلیغات و رسالت آن حضرت را در منظر مردم خدشه‌دار نموده، از اهمیت و جدی بودن سخنان و برنامه‌هایش کاسته و یا حداقل او را منزوی سازند. اتهامات و

القاب وارده بر رسول خدا صلی الله علیه و آله توسط مشرکان مکه عبارت بودند از: جنون و دیوانگی؛ دروغ‌گویی؛ سحر و ساحری؛ جادوگری و کاهنی؛ دامن زننده به اختلاف در میان قبیله‌ها و خانواده‌ها؛ تعلیم یافته از غلامی مسیحی به نام صُهیب؛ تعلیم یافته از مردی در یمامه به نام رحمان (ابن اثیر، ترجمه روحانی، ۱۳۷۴: ۸۹۹ / زریاب، ۱۳۷۰: ۱۳۷ / آیتی، ۱۳۶۶: ۱۵۳ - ۱۲۴) دشمنان نبی اکرم صلی الله علیه و آله در همین راستا، قرآن کریم و آیات الهی را جملاتی شعرگونه، دارای منشأ زمینی، اسطوره پیشینیان، نوشته شده توسط شخصی نامعلوم، که در پنهان و شب‌هنگام برای پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواند و او روزها بر مردم بازگو می‌نماید، بیرون آمده از ذهن فردی مجنون و وعده‌های دروغ در حد پیش‌گویی کاهنان تنزل داده و مخدوش می‌کردند!! (ابن هشام، ۱۴۱۳ هـ، ۱۹۹۳ م: ۳۱۱/ابن اثیر، ترجمه روحانی، ۱۳۷۴: ۸۹۹ / مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق: ۲۰۲)

۱-۱-۱- تهمت جنون

تهمت جنون و دیوانگی به رهبران حق، از دیرباز به‌عنوان ابزاری در دست جریان باطل به شمار می‌آمده است. این اتهام زنی گونه‌ای است که در مورد بیشتر پیامبران الهی اجرا شده است. نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز از این اتهام زنی دشمنان بی‌نصیب نبود. از مسلمات تاریخ است که پیامبر اسلام، از آغاز جوانی در میان مردم به درست‌کاری و راست‌گویی و... معروف بوده است. حتی دشمنان آن حضرت، در برابر اخلاق فاضله او بی‌اختیار سر تسلیم و انقیاد فرود می‌آوردند. یکی از صفات برجسته او این بود که تمام مردم، او را راست‌گو صادق و امین می‌خواندند. حتی مشرکان تا ده سال پس از دعوت علنی، اموال ذی‌قیمت خود را پیش او به‌عنوان ودیعت گذاشته بودند. چون دعوت آن حضرت بر معاندان سخت و گران آمد، همت و مساعی خود را بر این گماشتند که مردم را به‌وسیله پاره‌ای از نسبت‌ها که با آن می‌توان کاملاً اذهان را آلوده کرد از او برگردانند. چون می‌دانستند که نسبت‌های دیگر در افکار مشرکان بی‌نظر و ساده‌تأثیری نخواهد بخشید. از این‌رو، ناگزیر شدند که در تکذیب دعوت آن حضرت بگویند که منشأ دعاوی او، خیالات و افکار جنون‌آمیزی است که منافات با صفات زهد و درستکاری او نداشته باشد و در اشاعه این نسبت ریاکارانه رنگ‌ها ساخته و نیرنگ‌ها پرداختند. (سبحانی، ج ۱: ۳۲۱)

۱-۱-۲- تهمت ساحری

اتهام دیگر دشمنان به رهبری جبهه‌ی حق، تهمت ساحری بود. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز در معرض این اتهام قرار گرفت و کتاب قرآن را سحر می‌خواندند که از سوی ساحری

بنام محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) نوشته شده است: فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتِرُ وَسْرَانِجَامٍ گفتم: «این (قرآن) چیزی جز افسون و سحری همچون سحرهای پیشینیان نیست! (مدثر: ۲۴). هنگامی که به سخنان تو گوش فرا می‌دهند، ما بهتر می‌دانیم برای چه گوش فرا می‌دهند؛ (و همچنین) در آن هنگام که با هم نجوا می‌کنند؛ آنگاه که ستمگران می‌گویند: «شما جز از انسانی که افسون شده، پیروی نمی‌کنید!» (اسراء: ۴۷) نفوذ خارق‌العاده کلام پیامبر ((صلی الله علیه و آله و سلم)) را در دل‌های مردم حق‌طلب به سحر نسبت می‌دادند که خود اعتراف ضمنی جالبی بر نفوذ عجیب گفتار حضرت به شمار می‌آید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴۹)

۳-۱-۱- تهمت دروغ‌گویی

اتهام دیگر اتهام دروغ‌گویی به رهبر جریان حق است. اشراف و دستیاران آنان اتهامات مزبور را در حرکتی هماهنگ در سطح شهر مکه، به‌ویژه در ایام حج، در میان دسته‌جات عرب تکرار کرده و بدین طریق، مردم را از اطراف رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پراکنده می‌ساختند. یکی از فعالان در وارد ساختن اتهامات مذکور در میان مردم، ابولهب بود؛ زیرا به‌زعم اشراف، وی علاوه بر کینه و دشمنی با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به لحاظ پیوند نسبی، یعنی عمو با آن حضرت، سخنانش بیش‌تر در مردم مؤثر واقع می‌شد. هرگاه دسته و گروهی از اعراب به ملاقات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌آمدند و یا آن حضرت با آنان تماس حاصل می‌کرد، بی‌درنگ ابولهب حضور می‌یافت و خطاب به حضار می‌گفت: «این مرد برادرزاده من است و نیک او را می‌شناسم او مبتلا به مرض جنون است. هرچه در مداوای مرض او تلاش کرده‌ایم توفیق نیافته‌ایم.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۲۰۲) او گاه به دنبال پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله راه می‌افتاد و به‌محض این‌که آن حضرت برای ارشاد و هدایت مردم سخن آغاز می‌کرد، می‌گفت: مردم سخن محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را نشنوید و نپذیرید؛ زیرا که او کذاب است. (جعفریان، ۱۳۶۸: ۱۲)

۴-۱-۱- تهمت شاعری

دشمنان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) جهت شکستن شخصیت آن حضرت ایشان را شاعر لقب دادند: وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ. (پیامبر اسلام شاعر نیست؛) شاعران کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می‌کنند. (شعراء: ۲۲۴) قرآن کریم در سوره حجر آیه ۶، صافات آیه ۳۶، دخان آیه ۱۵، طور آیه ۲۹، طارق آیه ۱۵، مزمل آیه ۱۰ و... به این اتهامات ناروا اشاره نموده و با رد، نفی و بی‌پایه بودن آن‌ها، به مسلمانان نوید فتح و پیروزی می‌دهد.

۵-۱-۱- تهمت خیال‌پردازی و وحی نفسی به پیامبر

یکی از تلاش‌های گروه‌های الحادی برای توجیه وحی در پیامبران، خصوصاً درباره پیامبر اسلام، موضوع وحی نفسی و القاء ضمیر ناخودآگاه است. این گروه به عللی به خود اجازه نمی‌دهند که پیامبر را یک فرد دروغ‌گو و خلاف‌کار معرفی کنند، زیرا رفتار و گفتار او، روشنگر ایمان او به صدق گفتار خویش است. از این جهت معتقدند که او به راستی یقین داشت که برانگیخته خدا است و تعالیم او نیز از ناحیه او است، ولی ایمان و اعتقاد او را از راه دیگر توجیه می‌کنند که «وحی»، همان صدای روح محمد بود. زیرا سال‌ها تفکر و اشباع شدن روح از یک اندیشه، مستلزم آن است که آن اندیشه به صورت واقع درآید و در جان کسی که پیوسته در امری و اندیشه‌ای فرورفته است چنین صدایی طنین افکند، و فرشته صورت ضمیر ناخودآگاه آرزوی نهفته در اعماق وجود او بوده است. ولی باید توجه داشته باشیم که این توجیه نیز تازگی ندارد و مشرکان عهد رسالت، وحی محمدی را از همین طریق نیز توجیه می‌کردند و می‌گفتند: "بل قالوا اضغاث احلام بل افتراه: آنچه می‌گوید افکار پریشانی است که زائیده خیال او است." آنان قرآن را یک رشته افکار نامنظم دانسته که بی‌اختیار برمغز او راه پیدا می‌کند، و او را در آفریدن این مطالب عامد و مختار نمی‌اندیشیدند. هر چند برخی از این مرحله گام فراتر نهاده او را به دروغ نیز متهم می‌کردند. (سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱: ۳۲۱)

جدول ۱- گونه‌های فردی تهدید نرم علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

گونه تهدید	سطح تهدید
تهمت جنون	سطح فردی تهدید نرم و ترور شخصیت
تهمت ساحری	
تهمت دروغ‌گویی	
تهمت شاعری	
تهمت خیال‌پردازی و وحی نفسی	

۲- گونه‌های اجتماعی تهدید نرم علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

۲-۱- خدعه و حيله‌گری

خدعه و نیرنگ از بارزترین صفات و ویژگی‌های منافقان است که برای رسیدن به اهداف شومشان از راه خدعه و نیرنگ زدن به دیگران وارد می‌شوند، آنان علاوه بر مؤمنان می‌خواهند خدا را نیز نیرنگ بزنند. قرآن کریم این ویژگی منافقان را این‌گونه بازگو نموده است: «منافقان می‌خواهند

خدا را فریب دهند؛ در حالی که او آن‌ها را فریب می‌دهد؛ و هنگامی که به نماز برمی‌خیزند با کسالت برمی‌خیزند؛ و در برابر مردم ریا می‌کنند؛ و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند (نساء: ۱۴۲) اما چرا منافقان تلاش می‌کنند خدا و مؤمنان را فریب دهند؟ باید گفت این به خاطر مرضی است که در دل دارند، در طبیعت آنان آفت و مرض و در عقلشان انحراف است. و همین مرض قلبی باعث می‌شود که کفرشان نیز ازدیاد یابد و هرروز به شکشان افزوده شود، انحراف اگرچه ابتدا کم است اما به مرور زمان ازدیاد می‌یابد و در نهایت سرنوشت آن‌ها جهنم است. (قبلان، ۱۳۰۸ ق: ۱۰ - ۱۱)

از طرفی منافقان که قصد فریب دادن و نیرنگ زدن به دیگران را دارند، در واقع خود را فریب می‌دهند زیرا مردم سخنان آنان را قبول نمی‌کنند و آنان برای اینکه سخنانشان را به اثبات برسانند، پیش خودشان ادله واهی برای اثبات ادعایشان می‌تراشند و این ادله کم‌کم و به مرور زمان در ذهن آنان متراکم شده و به تدریج به یک قناعت کاذب تبدیل می‌شود که خودشان نیز به آن باورشان می‌شود. (مدرسی، ۱۳۷۸: ۳۰ - ۳۱)

۲-۲- تضعیف و تخریب روحیه

خداوند متعال به موارد گوناگونی اشاره می‌کند که به موجب آن جبهه باطل چگونه با حربی تضعیف روحیه به مصاف جبهه حق آمدند. به عنوان نمونه، اشاره قرآن کریم به تلاش معاندان حق برای تضعیف روحیه یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است. جنگ احزاب توسط مثلث شرک، نفاق و یهود بر ضد مسلمانان طرح‌ریزی شد. منافقین راه‌کار براندازی نرم را در جهت پشتیبانی از جنگ سخت برگزیدند. این جنگ در زمانی روی داد که مدینه با کمی آذوقه روبه‌رو بود یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با شکم‌های گرسنه با بستن سنگ به شکم به حفر خندق مشغول بودند و اعضای حزب نفاق نه تنها در حفر خندق مسلمانان را به فرار و ترک معرکه نبرد دعوت می‌کردند. در حفر خندق مسلمانان با صخره عظیمی روبه‌رو شدند که نتوانستند آن را بشکنند. از رسول گرامی اسلام کمک خواستند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز در پرتوی نیروی الهی با سه ضربه صخره را خرد کرد و گفت: از اینجا کاخ‌هایشان حیره، مداین، کسری و قصور رومیان برای من آشکار شد. و فرشته وحی به من خبر داد که امت من بر آن‌ها پیروز می‌شوند و تمام قصرها و کاخ‌های آن‌ها را تصرف می‌کنند. آنگاه فرمود: بشارت باد بر شما ای مسلمانان و سپاس خدا را در برابر این نوید قطعی که به دنبال این محاصره پیروزی است. در این موقع یکی از منافقان بنام معتب رو به مسلمانان کرد و گفت: آیا از محمد (صلی الله علیه و آله و

سالم) تعجب نمی‌کنید که چگونه شما را به آرزو وامی دارد و نویدهای بی‌اساس می‌دهد و می‌گوید از این جا قصور، حیره و مداین و روم را می‌بیند که به همین زودی فتح می‌شوند. وی موقعی این نوید را می‌دهد که شما از رویارویی با دشمن ترس و هراس دارید. شکی نیست که وظیفه فرمانده تقویت روحیه سربازها و امیدوار کردن آن‌ها به آینده جنگ است تا چه رسد به فرماندهی که سخنان او از مبداء وحی سرچشمه می‌گیرد گذشت زمان صدق گفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را نیز ثابت می‌نماید ولی نقش منافق درست نقطه مقابل نقش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. (سبحانی، ۱۳۷۵: ۷۵)

۳-۲- ترک امر به معروف و نهی از منکر (امر به منکر و نهی از معروف)

از دیگر ویژگی‌های جریان نفاق در عرصه اجتماعی، امر به منکر و نهی از معروف است. اشاعه انواع و اقسام منکرات و ضد ارزش‌ها در جامعه و از بین بردن همه معروف‌ها و ارزش‌های اسلامی از جامعه از مهم‌ترین اهداف جریان نفاق است، (خاتمی، ۱۳۷۹: ۱۸۵) که تلاش می‌ورزند با رفتار و گفتارشان این هدف را محقق سازند. آنان با شناخت دقیق معروف و منکر، مردم را به منکر فرا می‌خوانند و از معروف بازمی‌دارند، اما این کار را در نهایت دقت انجام می‌دهند تا اسرارشان فاش نشود. قرآن کریم به این ویژگی جریان نفاق این‌گونه اشاره می‌کند: **الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ**. توبه: ۶۷؛

۴-۲- یک‌سونگری به مسائل

اسلام دین جامعی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۳۷) و با توجه به جاودانگی آن، جامع بودن یک ضرورت عقلی محسوب می‌شود (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶۳) لذا در تمام امور همه جوانب را مدنظر قرار داده است مثلاً در مورد جهاد به مسئله‌ای نظیر تعلیم و تربیت نیز لحاظ شده است حتی در مواقعی که جهاد ضرورت دارد همه مردم به جهاد مشغول نشده و سایر امور مسلمانان نظیر تعلیم و تربیت مورد غفلت واقع نشود؛ شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به‌سوی آنان بازگشتند بیم دهند باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند؛ (توبه: ۱۲۲). این در واقع نمونه‌ای است از همه‌جانبه‌نگری اسلام. در برخی امور نیز در نظر گرفتن همه جوانب باعث شده است تا در تحریم محرمانی نظیر شراب، شیوه تدریج را مبنای کار خود قرار دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۹۰). و به یکی از آرزوهای کفار اشاره کرده است که آرزو

دارند تا مسلمانان از سلاح‌ها و وسایل خود غافل شوند تا یکبارہ بر آن‌ها هجوم آورند (نساء: ۱۰۲). آیہ اخیر بیانگر آن است کہ اسلام اجازه نمی‌دهد تا مسلمانان در جبهہ و جنگ با کوچک‌ترین غفلتی حتی برای اقامہ نماز (طباطبایی ۱۳۷۴، ج ۵: ۱۰۰) از تجهیزات خود غافل شدہ و با نگرشی تک‌بعدی بہ مسائل باعث غلبہ کفار شوند. بر این اساس نگرش تک‌بعدی بہ مسائل را می‌توان گونه‌ای از تہدید نرم دانست.

۵-۲- غرور و درخواست ستایش بی‌جا

گونه دیگر تہدید نرم، صفت نکوہیدہ اخلاقی غرور و درخواست ستایش نابجا است کہ لحن قرآن کریم بیانگر نارضایتی اندیشہ قرآنی از این خصوصیت اخلاقی است: البتہ گمان مبر کسانی کہ بدانچہ کردہ‌اند شادمانی می‌کنند و دوست دارند بہ آنچه نکرده‌اند مورد ستایش قرار گیرند قطعاً گمان مبر کہ برای آنان نجاتی از عذاب است [کہ] عذابی دردناک خواهند داشت؛ (آل عمران: ۱۸۸) در این رابطہ می‌توان گفت کہ اگر عشق مال و فرزند گروهی از افراد ضعیف الایمان را از جہاد بزرگی بازدارد، نباید گروه مؤمنان راستین از این موضوع نگرانی بہ خود راه دهند، برای اینکہ خداوند نہ در آن روزهایی کہ نفراتشان کم بود (مانند میدان جنگ بدر) آن‌ها را تنها گذارد، و نہ در آن روز کہ جمعیتشان چشم پر کن بود (مانند جنگ حنین)، انبوه جمعیت دردی را از آن‌ها دوا کرد، بلکہ در ہر حال یاری خدا و مددہای او بود کہ باعث پیرویشان شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۳۳۷)

۶-۲- ترس از مردم بہ جای خدا

مردم در تشکیل حکومت اسلامی جایگاہ خاصی دارند بہ طوری کہ یکی از پایه‌های ایجاد حکومت اسلامی پذیرش مردمی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۸۰) لذا خداوند بہ مومنان هشدار دادہ است کہ اگر از آیین خود بازگردند گروهی را می‌آورد کہ آن‌ها را دوست می‌دارد و آنان نیز خدا را دوست می‌دارند، این گروه در برابر مومنان متواضع و در مقابل کفار سازش‌ناپذیر و سرسخت هستند، در راه خدا جہاد کردہ و از سرزنش هیچ ملامتگری ہراسی ندارند (ای کسانی کہ ایمان آورده‌اید ہر کس از شما از دین خود برگردد بہ زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد کہ آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند [اینان] با مؤمنان فروتن [و] بر کافران سرفرازند در راه خدا جہاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند این فضل خداست آن را بہ ہر کہ بخواهد می‌دهد و خدا گشایشگر داناست؛ (مائدہ: ۵۴) لذا افرادی کہ بہ جای خدا از مردم می‌ترسند

نکوهش شده‌اند.

۷-۲- ترجیح اموال و خانواده به جهاد در راه خدا

پیامبر اسلام برای اتمام مکارم اخلاقی مبعوث شده است: انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق (طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۱۰، ۵۰۰) و مسائل اخلاقی در قرآن با تأکیدهای مختلفی آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۰۳) از جمله می‌توان به آسیب ترجیح اموال و خانواده به جهاد در راه خدا اشاره کرد که در قرآن کریم ضمن اشاره به حرکت پیامبر به قصد عمره به سوی مکه و درخواست همراهی از قبایل بادیه‌نشین باز هم گروهی از افراد ضعیف‌الایمان از انجام این دستور سر باز زدند، و تحلیلشان این بود که چگونه ممکن است مسلمانان از این سفر جان سالم به در برند، در حالی که قبلاً کفار قریش حالت تهاجمی داشته، و جنگ‌های احد و احزاب را در کنار مدینه بر مسلمانان تحمیل کردند، اکنون که این گروه اندک و بدون سلاح با پای خود به مکه می‌روند، چگونه ممکن است به خانه‌های خود باز گردند؟! اما هنگامی که دیدند مسلمانان با دست‌پر و امتیازات قابل ملاحظه‌ای که از پیمان صلح حدیبیه گرفته بودند سالم به سوی مدینه بازگشتند بی‌آنکه از دماغ کسی خون بریزد، به اشتباه بزرگ خود پی بردند، و خدمت پیامبر آمدند تا به نحوی عذرخواهی کرده، و کار خود را توجیه کنند، و از پیامبر تقاضای استغفار نمایند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲: ۴۹-۴۸)

۸-۲- بی‌توجهی به جایگاه حقوقی پیامبر

نکته مهم در دستورات قرآن کریم درباره رهبر نهضت، توجه به مقام حقوقی رهبر است تا مقام حقیقی؛ لذا نکوهش شدیدی راجع به پذیرش شایعه کشته شدن پیامبر در جنگ احد (واحدی، ۱۴۱۱ ق: ۱۲۸ و ۱۲۹) دیده می‌شود، زمانی که آتش جنگ میان مسلمانان و مشرکان شعله‌ور بود شایعه‌ای توسط مشرکان منتشر شد که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) کشته شد؛ بسیاری از مسلمانان با شنیدن این شایعه دست از جنگ کشیده و از میدان گریختند و فقط عده کمی از مسلمانان نظیر علی علیه السلام در میدان جنگ باقی ماندند؛ خداوند هم‌گروه فرار کننده از جنگ را به شدت نکوهش کرده و مقام حقوقی پیامبر را بالاتر از شخصیت حقیقی آن حضرت معرفی کرده و می‌فرماید: محمد جز فرستاده‌ای که پیش از او [هم] پیامبرانی [آمده و] گذشتند نیست آیا اگر او بمیرد یا کشته شود از عقیده خود برمی‌گردید و هر کس از عقیده خود بازگردد هرگز هیچ زبانی به خدا نمی‌رساند و به زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می‌دهد، وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ

حَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (آل عمران: ۱۴۴). بنابراین از جمله تهدیدات نرم در سطح اجتماعی بی‌توجهی به مقام و شأن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

جدول ۲- گونه‌های اجتماعی تهدید نرم علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

گونه تهدید	سطح تهدید
خدعه و حيله‌گری	سطح اجتماعی
تضعیف و تخریب روحیه	تهدید نرم
ترک امر به معروف و نهی از منکر (امر به منکر و نهی از معروف)	
یک‌سونگری به مسائل	
غرور و درخواست ستایش بی‌جا	
ترس از مردم به جای خدا	
ترجیح اموال و خانواده به جهاد در راه خدا	
بی‌توجهی به جایگاه حقوقی پیامبر	

۳- گونه‌های سیاسی تهدید نرم علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

۳-۱- قداست شکنی مکتب و رهبری (بی‌ارزش جلوه دادن اسلام و استهزای رسول اکرم و یارانش)

اشرافیت و زراندوزان مکه در طریق وصول به مقصد به کم‌ارزش جلوه دادن دین اسلام، تضعیف روحیه و بی‌مقدار مطرح ساختن رسول خدا صلی الله علیه و آله و یارانش پرداختند. یکی از محققان تاریخ اسلام در ارتباط بانگیزه اشرافیت مکه از تمسخر و استهزای پیامبر صلی الله علیه و آله این‌گونه بیان می‌دارد: «اشرافیت، شیوه استهزا، تمسخر و برچسب‌های باطل را به منظور دست‌یابی به مقاصد ذیل پیشه کردند ۱:- تأثیر بر شخص پیامبر صلی الله علیه و آله شاید که وی دچار شکست شخصیت شود و احساس حقارت و پستی نماید تا از مسئولیت خود شانه خالی کند و سرانجام به تکذیب خویش بپردازد. ۲- محو کرامت و به ابتذال کشاندن شخصیت پیامبر اسلام به منظور ایجاد تنفر از او در بین افرادی که دارای نفس ضعیفی بودند و منصرف ساختن مردم از تشرّف به اسلام.» (ابن هشام، پیشین، الجزء الثانی: ۳۹۶ - ۳۹۵ / یعقوبی، پیشین، ج اول: ۳۸۱ - ۳۸۰ / طبری، تاریخ طبری، ترجمه پاینده، ج سوم: ۹۱۰)

۱-۱-۳- تمسخر آیین مقدس اسلام

از دیگر تهدیدات نرم علیه جبهه حق تمسخر آیین مقدس اسلام است. ایجاد اختلاف میان مسلمانان و به یاد آوردن دشمنی‌ها و عداوت‌های میان دو تیره اوس و خزرج و تذکر و نقل داستان‌هایی از روزهای جنگ میان آن دو تیره و امثال آن بود که از این راه نتیجه بیشتری عایدشان شد و به خصوص آنکه در مدینه افراد منافقی همچون عبدالله بن ابی وجود داشتند که در دل ایمانی به اسلام و پیغمبر نیاورده بودند و بلکه دنبال بهانه‌ای می‌گشتند تا آن‌ها که این آیین مقدس را به سرزمین یثرب ارمغان آورده بودند مورد سرزنش و تمسخر قرار دهند. یهودیان از وجود این‌گونه افراد استفاده زیادی برای پیشرفت هدف خود که همان ایجاد تفرقه و اختلاف بود می‌کردند و حتی آن‌ها را وادار می‌کردند تا به مسجد مسلمانان آمده و در میان آن‌ها به گفتگو پرداخته و تخم نفاق و دودستگی بیفشانند و احیاناً آن‌ها را مسخره و استهزا کنند، که وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از این ماجرا مطلع گردید دستور داد آن‌ها را که گرد هم نشسته و درگوشی سخن می‌گفتند آشکارا از مسجد بیرون کنند و افراد تازه مسلمان نیز با قاطعیت عمل کرده و آن‌ها را از مسجد بیرون انداختند. (ابن هشام، پیشین، ج ۱: ۳۷۴ - ۳۷۵)

۲-۱-۳- استهزاء، تمسخر و تحقیر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

استهزاء - استهزا کنندگان پیامبر صلی الله علیه و آله برخاسته از اشراف مکه و عبارت بودند از: عاص بن وائل، حارث بن قیس، اسود بن مطلب، ولید بن منیره، اسود بن عبدینوث، امیه بن خلف، اخنس بن شریق، ابی بن خلف، عبدالله بن زبعر، عقبه بن ابی معیط، سعد بن سهم سهمی، ابوسفیان بن حارث، نصر بن حارث، عتبه و شیبه پسران ربیع، ابولهب و همسرش. (قاضی ابرقوه، ۱۳۷۳: ۱۹۱) محمد بن اسحاق گوید: «سید [پیامبر صلی الله علیه و آله] هرگاه پیامدی و به مسجد نشستی و درویشان [بردگان و مستضعفان] صحابه مثل جناب آرت و عمار یاسر و ابوفکیه و غیرهم برفتندی و با سید بنشستندی، آن‌گاه مهتران قریش در ایشان نگاه کردند و گفتندی اصحاب محمد ببینید! مثنی گدای بی نوا، نه چیزی در سر دارند و نه در بر، چون تواند بود که خدای چنین گدایان برای ما مهتران برگزید و ایشان را از میان ما به هدایت راه حق مخصوص گرداند، این خود محال باشد...» (ابن اثیر، پیشین، ج دوم: ۸۹۱ - ۸۹۰). تمسخر - این افراد در تمسخر رسول خدا صلی الله علیه و آله به شیوه‌های متعدد و متنوعی متوسل می‌شدند. ابوجهل در مقابله با انذار رسول خدا صلی الله علیه و آله و بیان عذاب جهنم و درخت زقوم با ریشخند می‌گفت:

ای قوم می‌دانید درخت زقوم که محمد می‌گوید چیست؟ آن رطب پاکیزه‌ای است که مسکه [کره] بر سر آن نهاده باشند. و اگر من او را بیابم چون شهد و شکر فرومی‌برم!! (ابن هشام، پیشین، الجزء الاول: ۳۱۳). تحقیر - تحقیر حربه دیگر قداست شکنی است که در مورد پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) توسط جریان باطل پیگیری می‌شد. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلاَّ هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا. و هنگامی که تو را می‌بینند، تنها به باد استهزایت می‌گیرند (و می‌گویند): آیا این همان کسی است که خدا او را به‌عنوان پیامبر برانگیخته است؟! (فرقان: ۴۱)

۳-۱-۳- استهزاء و عیب‌جویی از مؤمنان

استهزاء، تمسخر، عیب‌جویی و طعنه و ریشخند زدن مؤمنان یکی دیگر ویژگی‌های جریان باطل است. آنان در برخوردهای اجتماعی شأن مؤمنان را به باد تمسخر و استهزاء گرفته و اقدام به عیب‌جویی، ریشخند زدن و توهین و تحقیر آنان می‌نمودند.

شواهد و نمونه‌های تاریخی بسیاری از استهزا و عیب‌جویی منافقان در عصر رسالت وجود دارد: گروهی از منافقان به مسجد می‌رفتند و به گفت‌وگوهای مسلمانان گوش می‌دادند، آنگاه دین مؤمنان را مورد استهزا و تمسخر قرار می‌دادند. روزی درحالی‌که آنان دور هم جمع شده بودند و آهسته‌آهسته با یکدیگر صحبت می‌کردند، رسول گرامی اسلام متوجه آنان شد، حضرت با دیدن این صحنه دستور داد آنان را از مسجد اخراج نمایند. (ابن هشام، پیشین، ج ۱: ۳۷۴ - ۳۷۵)

۳-۲- عدم اطاعت از پیامبر

نقش بی‌بدیل رهبر در نهضت اسلامی و خصوصیات ویژه آن با توجه به نمونه‌های ذکر شده در قرآن از جمله حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، باعث شده است تا پیروی از رهبر به‌عنوان یکی از عوامل موفقیت رزمندگان به شمار آید و نافرمانی باعث شکست می‌شود، که نمونه صریح آن را در جنگ احد بیان شده است (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۴۷ و ۴۸) بنابراین عدم اطاعت و نافرمانی از دستورات رهبر به‌عنوان یک‌گونه تهدید نرم، باعث آسیب‌های جدی به نهضت می‌گردد؛ لذا یکی از خصوصیات مومنان در قرآن کریم تسلیم بودن در برابر فرمان خدا و رسول شمرده شده است: وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا (احزاب: ۳۶)

۳-۳-۳-انجام عملیات روانی

از دیرباز عملیات روانی مورد استفاده دشمنان جریان حق قرار می‌گرفته و گونه‌ای از تهدید نرم محسوب می‌شود. اهداف عملیات روانی نیز گوناگون و متنوع است. اهدافی از قبیل ایجاد اختلال، سردرگمی، گرفتن نیروی شهادت، فداکاری و جان‌فشانی در نیروی مقابل، ایجاد تفرقه، دلسرد کردن نیروی مقابل و... از جمله‌ی این اهدافاند (شیرازی، ۱۳۷۹: ۲۷-۳۳) خداوند متعال نیز در آیات گوناگون با ذکر مؤلفه‌هایی به بیان چگونگی ایجاد عملیات روانی دشمن برای به زانو در آوردن جبهه‌ی حق می‌پردازد. - گفتند: «در هوای گرم به جنگ نروید.» (توبه: ۸۱) عبدالله بن اُبی، که به همراه گروهی از منافقان از حرکت خودداری کرد، گفت: محمد می‌خواهد با این سختی و در هوای گرم و سرزمین دور با رومیان نبرد کند. آن هم با سپاهی که تاکنون کسی مانندش را ندیده است. گویی محمد جنگ با رومیان را ساده پنداشته است. به خدا، گویا می‌بینم که فردا اصحاب محمد همگی به بند اسارت درآیند. (واقعی، ج ۳: ۹۵۵ - ۹۶۶) - منافقان نیز به پیروی از سرکرده خویش، همین شیوه را در پیش گرفتند و گفتند: می‌پندارند جنگ با رومیان مثل جنگ با دیگران است! به خدا قسم، فردا شما را به ریسمان، بسته خواهیم دید. ودیعه بن ثابت هم گفت: نمی‌دانم چرا قرآن‌خوانان ما از همه شکم‌باره‌تر و به هنگام جنگ ترسوترند! (واقعی، ج ۳: ۱۰۰۳ - ۱۰۰۴)

۱-۳-۳- شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی

نمونه‌ای از شایعات خزنده را در «حدیث افک» مشاهده می‌کنیم. این شایعه برای جریحه‌دار ساختن نزاهت و طهارت اهل‌بیت (علیهم السلام) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و به دست عوامل مرموز روانی (حزب نفاق) ساخته و پرداخته گردید و به تدریج، موجی از هیجان و اضطراب را در جامعه اسلامی پدید آورد. این جریان در بازگشت از جنگ «بنی مصطلق» (مرسیع) در ماه شعبان سال ششم هجری روی داد آن وضعیت پر بیم و اضطراب با نزول آیات الهی به سرآمد و قرآن با قاطعیت کم نظیری با منافقان برخورد کرد. (واقعی، ج ۲: ۴۲۶ - ۴۳۶) نمونه دیگری از شایعه پراکنی مربوط به غزوه احد و کشته شدن پیامبر است (آل عمران، ۱۴۴؛ واحدی، ۱۴۱۱ ق: ۱۲۸ و ۱۲۹). انتشار شایعات می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در جنگ ایفا نماید. در سیر غزوات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، گاه شاهد به کارگیری ماهرانه شایعات به‌عنوان ابزار جنگ روانی هستیم و این می‌رساند که آن حضرت در چهارچوب خط‌مشی پایدار «دعوت - هدایت» و

در پرتو حفظ موجودیت نظام و امنیت ملی، اساساً جنگ و ابزار کارآمد آن را استثنایی از اصل نیرنگ و فریب دانسته‌اند؛ زیرا» ان الحرب خدعة» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳: ۳۳۱)

۲-۳-۳- استفاده از هنر قصه‌گویی و نقالی

از دیگر شیوه‌های تبلیغاتی کمابیش کارساز و مؤثر در مقابله با جذب مخالفان در شبه جزیره، هنر قصه‌گویی و نقالی بود. اشرافیت مکه از این حربه نیز در رویارویی با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در حد امکان سود جست. نقال و قصه‌گوی مشهور و هنرمندی که در این راستا با حمایت و تشویق رؤسای قریش نقشی عمده ایفا کرد، نضر بن حارث بن علقمه بن کلداه از قبیله قریش بود. وی آثار ایرانیان را مطالعه کرده و با پیروان ادیان یهود و نصارا مباحثات دینی و کلامی انجام داده بود. (زریاب، ۱۳۷۰، ۱۴۸ - ۱۳۷ / آیتی، ۱۳۶۶: ۱۲۶) نضر در مسافرت به ایران، به‌ویژه حیره، (شهرک و ناحیه‌ای نزدیک کوفه امروزی) داستان‌های شیرین و جذابی از خدای‌نامه‌ها و حماسه‌های ایران و داستان پهلوانی فراگرفته و از معلومات قابل توجهی برخوردار بود. او در انجام مأموریت تبلیغاتی خود جدیت و تلاش فراوانی نمود. هرگاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مجامع عمومی قرآن را تلاوت می‌کرد و مردم را از حوادث و رخدادهای پیش‌آمده بر امت‌های پیشین و انبیای سلف، از باب عبرت‌آموزی، آگاه می‌ساخت، نضر بی‌درنگ حضور می‌یافت و با لحنی جاذب و فصاحتی خاص خطاب به جمع می‌گفت: ای مردم! سوگند یاد می‌کنم که من از محمد [صلی‌الله‌علیه‌وآله] خوش‌گفتارتر و سخنورترم. گرد من جمع شوید تا سخنان و داستان‌هایی بهتر از او برای شما بیان کنم. متعاقب آن، اساطیر پیشینان، به‌ویژه اساطیر ایرانی، را برای حاضران بیان می‌کرد (آیتی، پیشین: ۱۲۶ / زریاب، پیشین: ۱۴۱ - ۱۴۰).

۳-۳-۳- استفاده از شعر، شعار، سرود و ترانه علیه پیامبر و اسلام

از ابزار دیگر تبلیغاتی اشراف مکه بر ضد رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و یارانش استفاده از شعر، سرود و ترانه بود. شعر و شاعری در جزیره‌العرب پیش از اسلام، از ابزار مهم تبلیغ اعضای قبیله محسوب می‌گردید. بر همین اساس، شاعر حرمت‌والایی را در عشیره خویش دارا بود. از سویی، شرایط اقلیمی آن دیار به طغیان احساسات شاعران ساکن کمابیش کمک می‌کرد. با پشتیبانی و تشویق اشرافیت، شعرای مشرک، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و دین اسلام را مورد هجمه و هجو قرار دادند. محمد حسنین هیکل در این ارتباط می‌نویسد: «ابولهب و ابوسفیان و اشراف و بزرگان قریش که شرفشان به مال و بزرگی‌شان به هوس‌بازی بود به‌تدریج احساس کردند که دعوت

محمد صلی الله علیه و آله مقام و منزلتشان را به خطر می‌اندازد. بدین جهت، در نظر گرفتند با او از در مبارزه درآیند، پیامبر اسلام را تکذیب کنند و او را تحقیر نمایند. اولین قدمی که در این راه برداشتند، این بود که چند نفر از شعرای خود، ابوسفیان بن حارث، عمرو بن عاص و عبدالله بن زبیری را به هجو و بدگویی او ترغیب کردند. اما گروهی از شعرای مسلمان رد و جواب آنان را بر عهده گرفتند...» (پاینده، ۱۳۷۵: ۲۳۸ - ۲۱۲، ۲۰۶) اشعار و سروده‌های مشتمل بر هجو را مشرکان در جلسات زنانه و مردانه خود در قالب سرود و ترانه شادمانه می‌خواندند و می‌رقصیدند. (دوانی، بی‌تا: ۱۳۷) مجامع عمومی و همگانی نیز این شیوه توسط خوانندگان تکرار می‌گردید. مورخان در این راستا از دو کنیز آوازخوان و خوش‌الحان که به‌گونه‌ای فعال و مستمر به این امر مبادرت داشته‌اند یاد کرده‌اند. یعقوبی می‌نویسد: «... دو کنیز ابن‌اخطل [بودند] که به دشنام و بدگویی رسول خدا صلی الله علیه و آله خوانندگی می‌کردند.» (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه آیتی: ۴۲)

۴-۳-۳- استعانت از علمای یهود بر ای تخریب و ابطال رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله

قوم یهود در جزیره‌العرب پیش از اسلام، از جایگاه و قدرت فکری، فرهنگی و اقتصادی قابل توجهی در مقایسه با سایر ساکنان آن دیار برخوردار بود. برجستگی فکری، دانش و آگاهی آنان به‌ویژه در مقایسه با مشرکان مکه برتر و بالاتر بود. اشراف مکه در مقابله تبلیغاتی و به‌زعم خود، ابطال رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله، از علما و دانشمندان یهود ساکن در یثرب استعانت و یاری طلبیدند. نضربن حارث، به‌عنوان شخصی پیشگام و فعال در امر تبلیغات تخدیری مکیان به همراهی مشرکی دیگر به نام، عقبه بن ابی معیط رهسپار یثرب شدند. (جعفریان، ۱۳۶۸، ج دوم: ۱۱۸ - ۱۱۷) احبار و علمای یهود پس از استماع گزارشات و درخواست مک و همیاری سفرای مکه در خصوص رسول خدا صلی الله علیه و آله و دین اسلام، با مشاوره جمعی سؤالاتی را که به‌زعم آنان پاسخ‌هایشان مشکل به نظر می‌رسید، برای منهزم ساختن آن حضرت مطرح کردند. ابن‌هشام در باب مطالب مطرح شده در جلسه نمایندگان و اشراف مکه با علمای یهود چنین آورده است: «... نضر و عقبه از مکه به مدینه آمده و به نزد احبار یهود رفته، جریان کار خود را گزارش داده و گفتند: شما اهل تورات هستید و ما آمده‌ایم تا از شما بپرسیم آیا محمد [صلی الله علیه و آله] بر حق است یا نه؟ احبار یهود گفتند: شما نزد او بازگردید و سه سؤال از او بکنید، اگر سؤالات را پاسخ داد بدانید که او پیامبری مرسل است و گرنه دروغ‌گو است و هرچه خواهید نسبت به او انجام دهید. و آن سه سؤال این است: ۱- از او از سرگذشت آن دسته جوانانی که داستان شگفت‌انگیز

دارند بپرسید؛ ۲- از او بپرسید مردی که شرق و غرب عالم را گردش کرد چه کسی بود و سرگذشتش چه بود؟ ۳- از او بپرسید روح چیست؟» (ابن هشام، پیشین: ۳۰۱)

۴-۳- نفاق منافقان

کارشکنی، بی‌اعتنایی و سرپیچی از فرمان صریح پیامبر (صلی الله علیه و آله) و به نحوی از زیر بار مسئولیت شانه خالی کردن از ویژگی‌های بارز منافقان در عرصه سیاسی بود. در جنگ احزاب که رسول گرامی اسلام کندن هر بخشی از خندق را به گروه‌های ده نفری سپرده بود، منافقان هنگامی که چشم مسلمانان را دور می‌دیدند دست از کار می‌کشیدند و آنگاه که مسلمانان متوجه آنان می‌شدند کار می‌کردند. آنان هم‌چنین بدون اذن گرفتن از پیامبر (صلی الله علیه و آله) دست از کار می‌کشیدند و به خانه‌هایشان می‌رفتند. (ابن هشام، پیشین، ج ۲: ۷۰۱) قرآن کریم به شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت و مخالفت کردن اوامر پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی منافقان این‌گونه اشاره می‌کند: «خداوند کسانی از شما را که پشت سر دیگران پنهان می‌شوند، و یکی پس از دیگری فرار می‌کنند می‌داند. پس آنان که فرمان او را مخالفت می‌کنند باید بترسند از اینکه فتنه‌ای دامنه‌شان را بگیرد، یا عذابی دردناک به آن‌ها برسد.» منافقان در نزاع‌ها و دعاوی‌شان حاضر نبودند به حکمیت رسول گرامی اسلام تن در دهند، در عوض حاکمیت طاغوت را با دل و جان می‌پذیرفتند. (خاتمی، پیشین: ۸۱). ایجاد جنگ روانی از دیگر ویژگی‌های رفتار سیاسی جریان نفاق بود. (خاتمی، پیشین: ۱۲۱) که جریان نفاق از این عناصر در جنگ روانی که علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مسلمانان و حکومت اسلامی به راه انداخته بودند به گونه بسیار چشمگیری استفاده می‌کردند. بزرگ جلوه دادن دشمن و تحقیر سپاهیان اسلام، شایعه‌سازی و وارد ساختن اتهام از جمله موضوعاتی بود که جریان نفاق برای ایجاد جنگ روانی از آن‌ها سود می‌جستند. جریان نفاق با برشمردن تعداد نفرات و ادوات نظامی دشمن در آستانه جنگ‌ها و نیز در میادین نبرد و در برابر با کم جلوه دادن سپاه اسلام تلاش می‌ورزیدند در دل مسلمانان رعب و وحشت و ترس ایجاد نمایند و آنان را از نبرد با دشمن باز دارند؛ چنانچه در جنگ احزاب و تبوک از این حربیه برای تضعیف مسلمانان بهره بردند. پس از هجرت پیامبر اسلام به مدینه تعدادی از مردم که توان مخالفت علنی با پیامبر را نداشتند یا به مصلحت خود نمی‌دانستند، در ظاهر اظهار اسلام نموده و مخفیانه علیه پیامبر اسلام فعالیت نمودند (ابن هشام، بی تا، ج ۱: ۵۸۴)

۵-۳- تحریک دشمنی یهود

چیزی که یهود را بیش از پیش ناراحت کرد و موجب تحریک بیشتر دشمنی آنان گردید پذیرفتن و قبول اسلام از طرف دو تن از بزرگان و دانشمندان ایشان به نام عبدالله بن سلام و مخیریق بود که برای یهودیانی که خود را برترین نژادها دانسته و نبوت و پیامبری را منحصر به فرزندان اسحاق می‌دانستند بسیار ناگوار و غیر قابل تصور و ناهموار بود، و شاید ترس آن را داشتند که افراد دانشمند و سرشناس دیگری نیز تدریجاً به حقانیت اسلام واقف گشته و در سلک مسلمانان درآیند و اتفاقاً این ترس و پیش‌بینی آن‌ها جامه عمل پوشید و افراد دیگری نیز چون ثعلبه بن سعیه، اسید بن سعیه و اسد بن عبید نیز مسلمان شدند. (محللاتی، بی تا: ۲۷۲)

۶-۳- موضع‌گیری قریش در برابر پیامبر و اسلام

سران قریش، برای مبارزه با آئین یکتاپرستی صفوف خود را منظم کرده بودند. در آغاز کار می‌خواستند پیامبر را از طریق تطمیع و نوید مال و ریاست، از هدف خود منصرف سازند، ولی نتیجه‌ای نگرفتند و با جمله معروف آن مرد مجاهد: «به خدا قسم هرگاه آفتاب را در دست راستم و ماه را در دست دیگرم قرار دهید (یعنی سراسر جهان را در اختیار من بگذارید) از این کار دست بر نخواهم داشت» روبرو گردیدند. سپس به تهدید و تحقیر و آزار کسان و یاران او برخاستند و لحظه‌ای از آزار او و یارانش آرام نگرفتند، ولی شهامت و استقامت او و یاران با اخلاص وی سبب شد در این جبهه پیروز گردند. حتی پایداری خود را در آئین اسلام به قیمت ترک خانه و وطن خریده و به وسیله هجرت خود به سوی خاک «حبشه» در گسترش آن کوشیدند، ولی هنوز برنامه‌های سران قریش برای ریشه‌کن ساختن درخت توحید، پایان نپذیرفته بود، بلکه این بار خواستند حربه برنده‌تری را به کار ببرند. این حربه، همان حربه تبلیغ بر ضد محمد «ص» بود. زیرا درست است که آزار و تعدی به حقوق، گروهی را که در مکه زندگی می‌نمودند، از گرایش به اسلام باز می‌داشت، اما زائران خانه خدا که در ماه‌های حرام به مکه می‌آمدند، و در محیط امن و آرامی با پیامبر تماس می‌گرفتند تحت تأثیر تبلیغات پیامبر قرار می‌گرفتند. و اگر هم به آئین او ایمان نمی‌آوردند، لااقل در آئین خود (بت‌پرستی) متزلزل می‌شدند و پس از بازگشت به زادگاه‌های خود حامل پیام اسلام بودند و از ظهور پیامبر گزارش می‌دادند. و از این طریق نام پیامبر اسلام و آئین جدید را به تمام نقاط عربستان می‌رسانیدند. و این خود ضربت‌شکننده‌ای بر بت‌پرستی محسوب می‌شد و عامل مؤثری برای گسترش آئین توحید به شمار می‌رفت. (جعفر سبحانی، فروغ

جدول ۳- گونه‌های سیاسی تهدید نرم علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

گونه تهدید	سطح تهدید	
تمسخر آیین مقدس اسلام	سطح سیاسی تهدید نرم	
استهزاء، تمسخر و تحقیر پیامبر		
استهزاء و عیب‌جویی از مؤمنان		
عدم اطاعت از پیامبر		
شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی		انجام عملیات روانی
استفاده از شعر، شعار، سرود و ترانه		
استفاده از هنر قصه‌گویی و نقالی		
استعانت از علمای یهود بر ای تخریب و ابطال رسالت		
نفاق منافقان		
تحریک دشمنی یهود		
موضع‌گیری قریش در برابر پیامبر و اسلام		

۴- گونه‌های امنیتی تهدید نرم علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

۴-۱- مخالفت علنی قریش با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)

زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به دستور الهی دعوت خود را آشکار و بت‌پرستی را با صراحت و قاطعیت رد کرد و بت‌ها را موجوداتی فاقد شعور و بی‌اثر در زندگی مشرکان خواند، قریش خشمگین شد و به مخالفت با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برخاست. (ابن اثیر، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۴)

۴-۲- ایجاد تفرقه

طبق آنچه قرآن مجید اشاره کرده و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز خبر داده بود، مسلمانان بعد از وفات او از طریق مستقیم که یک راه بیشتر نبود منحرف شدند در عقاید مذهبی و حتی در خود دین پراکنده گشتند و به تکفیر یکدیگر پرداختند، تا آنجا که در میان آنان گاه شمشیر

و گاه سب و لعن حکومت می‌کرد. کار به جایی کشید که بعضی از مسلمانان جان و مال یکدیگر را حلال می‌دانستند و حتی به‌قدری میان مسلمانان عداوت و دشمنی ایجاد شده بود که بعضی حاضر می‌شدند به کفار بپیوندند و با برادران دینی خود به جنگ بپردازند. به این ترتیب اتحاد و وحدت که رمز موفقیت مسلمانان بود به نفاق و اختلاف مبدل شد، در نتیجه، زندگی سعادت‌مندان‌هی آن‌ها به یک زندگی شقاوت‌بار تبدیل شد و عظمت دیرین خود را از دست دادند. (مکارم شیرازی،

ج ۳: ۴۲-۴۳)

۳-۴- نفوذ و جاسوسی

دشمنان برای نفوذ در میان جبهه‌ی حق، از نیروهای نفوذی خود با هدف جاسوسی استفاده می‌کنند. این عمل بیش از هر چیز جهت کسب اطلاعات از درون جریان حق و تضعیف روحیه‌ی آن‌ها صورت می‌پذیرد. قرآن به وجود نیروهای نفوذی و جاسوس دشمن جهت رخنه در صفوف جریان حق اشاره کرده و هشدار می‌دهد تا مراقب آن‌ها باشید. دشمنان هرگز با صراحت و بدون استتار برای ضربه زدن وارد میدان نمی‌شوند، بلکه برای این که بتوانند طرف مقابل را غافلگیر کنند کارهای خود را در لباس‌های فریبنده پنهان می‌سازند. به‌عنوان نمونه باید به برادران یوسف علیه‌السلام اشاره کرد. نقشه مرگ یا تبعید او را تحت پوشش عالی‌ترین احساسات برادرانه پنهان ساختند *قَالُوا إِنَّا كَاهِلٌ لِّذِي نُؤْتُهُنَّ مَعَهُ إِنَّا إِذْ لَخَاسِرُونَ*. گفتند: «باینکه ما گروه نیرومندی هستیم، اگر گرگ او را بخورد، ما از زیانکاران خواهیم بود (و هرگز چنین چیزی) ممکن نیست!» (یوسف: ۱۴)

۴-۴- جلوگیری از نفوذ آئین یکتاپرستی (با تحریم کردن شنیدن قرآن)

برنامه وسیع و دامنه‌داری که بت‌پرستان مکه، برای مبارزه و جلوگیری از نفوذ آئین یکتاپرستی طرح کرده بودند، یکی پس از دیگری به مورد اجرا گذارده می‌شد. ولی در این مبارزه چندان موفق نبودند و نقشه‌های آن‌ها یکی پس از دیگری، نقش بر آب می‌گشت.

دورانی بر ضد پیامبر «ص» تبلیغ کردند، ولی هیچ‌گاه با موفقیت کامل روبرو نبودند و «پیامبر» را در راه خود پایدارتر یافته و می‌دیدند که روز بروز آئین یکتاپرستی در حال گسترش است. سران «قریش»، تصمیم گرفتند که مردم را از استماع قرآن بازدارند. برای اینکه نقشه آن‌ها کاملاً جامه عمل به خود بپوشد، جاسوسانی در تمام نقاط «مکه» گماردند تا زائران خانه خدا و بازرگانان را که به‌منظور دادوستد وارد مکه می‌شدند، از تماس با محمد بازدارند و بهر طریقی ممکن باشد از

شنیدن قرآن جلوگیری کنند. سخنگوی جمعیت، اعلامیه‌ای که قرآن مضمون آن را نقل می‌کند، در میان مکیان منتشر نمود: «گروه کافران گفتند که به این قرآن گوش ندهید و هنگام قرائت آن جنجال کنید شاید پیروز شوید (و قال الذین کفروا لا تسمعوا لهذا القرآن و الغوا فيه لعلکم تغلبون -سوره فصلت/۲۶). برنده‌ترین حربیه پیامبر که رعب و ترس عجیبی در دل دشمنان افکنده بود، همان «قرآن» بود. سران قریش می‌دیدند چه بسا افرادی که از سرسخت‌ترین دشمنان پیامبر بودند، و به منظور استهزاء و آزار به ملاقات او می‌رفتند، همین‌که آیاتی چند به گوش آن‌ها می‌رسید عنان اختیار را از کف داده، و از همان لحظه طرفدار جدی او می‌شدند. برای پیش‌گیری از این نوع حادثه‌ها، تصمیم گرفتند، که اتباع و هواداران خود را از استماع آیات الهی منع کرده، و سخن گفتن با محمد را تحریم کنند. (جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱: ۳۲۱)

۵-۴- ممانعت از تماس مردم با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

اشراف قریش در قالب گروهی و فردی، از تماس مردم با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، به‌ویژه در موسم حج، جلوگیری می‌کردند و با حضور به‌موقع با تمام توان جمعیت را از اطراف آن حضرت با لفاظی و تحریک احساسات مذهبی، سرزنش و بدگویی، پراکنده می‌ساختند. ابوجهل در این راستا خطاب به مکیان می‌گفت: «ای قریشیان، محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، از عیب‌جویی ما و زشت‌گویی به پدران ما و ابلهانه دانستن اندیشه‌های ما و دشنام‌گویی به پدران ما دست برنمی‌دارد.» (سیره ابن کثیر، ج اول: ۴۷۲ - ۴۷۱ به نقل از: تاریخ سیاسی اسلام، ج دوم: ۱۱۴) و یا هنگامی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در بازار مکه دین خود را تبلیغ می‌کرد، ابولهب به دنبال ایشان حرکت می‌کرد و مردم را از ترک عبادت دو بت مشهور لات و عزی برحذر می‌داشت. (انساب الاشراف، ج اول: ۲۳۱) ابن خلدون در این ارتباط چنین می‌نگارد: «آن‌گاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله خود را به جماعت عرب، ه در مراسم می‌آمدند بنمود؛ در منازلشان به نزد آنان می‌رفت تا اسلام را برایشان عرضه دارد و آنان را به یاری خود می‌خواند و قرآن را برایشان تلاوت می‌کرد. افراد قریش در این حال نزد آنان می‌نشستند و از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به زشتی یاد می‌کردند تا سخنان او را نپذیرند، بیش از همه، ابولهب در این کار پای می‌فشرد.» (ابن خلدون، پیشین، ج اول: ۳۹۱ - ۳۹۰ / حسنی، ترجمه حمید ترقی‌جاه، ۱۳۷۰: ۲۶۶) تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان در این نکته و موضوع، که ابولهب خود را وقف منصرف کردن مردم از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و تکذیب آن حضرت کرده بودند، همداستان هستند. مؤلف کتاب سیره المصطفی

در این باره می‌نویسد: «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای دعوت مردم در مجلسی نمی‌نشست مگر این‌که ابولهب را در پی خویش می‌یافت که سخن او را رد می‌کند و مردم را از او برحذر می‌دارد. همان اندازه که ابوطالب در یاری اسلام و دعوت مردم به آن و دفاع از آن پافشاری می‌کرد و پرتلاش بود، ابولهب در مورد بت‌ها و دفاع از آن‌ها و برانگیختن مردم علیه برادرزاده‌اش، محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، پابرجا و جدی بود.» (آیتی، پیشین: ۱۶۷ - ۱۶۶)

۶-۴-آزار رساندن قریش به نومسلمانان

در تاریخ اسلام می‌خوانیم که آن دسته از مسلمانان نخستین که در مکه مسلمان شدند، سخت تحت تعقیب و فشار و شکنجه مشرکان مکه کسان بت‌پرست خود بودند. آن‌ها با همه آزار و عذابی که دیدند، همچنان ثابت‌قدم ماندند، و در راه حفظ دین و ایمان خود دچار مشکلات طاقت‌فرسایی شدند. تا جایی که حتی عده‌ای با وضعی دردناک به شهادت رسیدند و نام نیکی در صفحات تاریخ مجاهدان و مبارزان راه حق از خود به یادگار گذاردند. چنان‌که کار بر آن‌ها سخت گذشت که روزی خیاباب بن ارت گفت: یا رسول‌الله دعا کن خدا ما را نجات دهد. فرمود: شتاب مکنید. پیش از شما مردانی بوده‌اند که آن‌ها را با شانه‌های گداخته آهنین شکنجه می‌دادند، و با اره به دو نیم می‌کردند مع‌هذا از دین خود برنگشتند. به خدا کار اسلام چنان بالا بگیرد و مسلمانان آن‌قدر آزادی پیدا کنند که سواری از صنعا به حضرموت می‌رود و غیر از خدا از کسی بیم ندارد. (تاریخ یعقوبی، جلد ۲: ۱۶)

با توجه به این‌که هر کدام از مسلمانان، از قبیله خاص بودند، مشرکان تصمیم گرفتند فقط اعضای مسلمان همان قبیله را شکنجه کند تا از تحریک عواطف قباایل دیگر و مداخله آن‌ها جلوگیری شود. آزار و شکنجه‌های مشرکان بیشتر متوجه مسلمانانی می‌شد که معمولاً غریب و بدون پشتوانه قبیله بودند (ابن اثیر، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۶). مشرکان غالباً با گرسنگی و تشنگی دادن، زندانی کردن، خواباندن روی ریگ‌های داغ و... مسلمانان را شکنجه می‌کردند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با مشاهده شکنجه مسلمانان، آنان را دعوت به صبر می‌کرد، اما با شدت یافتن فعالیت مشرکان، با توصیه به هجرت به کشور حبشه فرمود: پادشاه آنجا عادل است و سرزمین راستی است. (ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱: ۳۴۳)

۷-۴-کارشکنی یهود و مخالفت با اسلام

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به موازات پیمان برادری، پیمانی هم با یهود به‌عنوان پیمان

عدم تعرض منعقد فرمود که بر طبق آن یهود در مراسم دینی و کسب و کار خود آزاد بودند، مشروط بر اینکه توطئه‌ای بر ضد مسلمانان نداشته باشند و دشمن را بر ضد ایشان تحریک نکنند. هنوز چندان مدت زیادی از ورود رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به شهر یثرب و عقد پیمان میان او و یهود نگذشته بود که یهودیان بنای کارشکنی و مخالفت با مسلمانان و رهبر بزرگوار آنان را گذاشته و روی طبع کینه‌توز و تسلط جویانه‌ای که داشتند و می‌دیدند روز به روز بر قدرت و نفوذ پیغمبر اسلام در مدینه و اطراف افزوده می‌شود درصدد جلوگیری از پیشرفت اسلام و نفوذ سریع پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برآمدند. به گفته برخی از مورخان در آغاز نیز که حاضر شدند با محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیمان دوستی و همبستگی ببندند به این امید بود که شاید بتوانند او را به خود ملحق سازند و با دست او بر مسیحیان ساکن جزیره‌العرب و مذاهب دیگر پیروز شوند، اما وقتی متوجه شدند که او تابع فرمان خدا و فرستاده از جانب اوست و راه سومی را انتخاب کرده و به تعبیر قرآن کریم «امت وسطی» تشکیل داده است به فکر مخالفت و کارشکنی با آن حضرت افتاده و بخصوص هنگامی که خدای تعالی به پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مسلمانان دستور داد قبله خود را از بیت المقدس به سوی کعبه تغییر دهند. (محلالتی، پیشین: ۲۷۲)

۸-۴-۱ ایجاد کانون‌های توطئه و فتنه

از ویژگی‌های رفتار سیاسی منافقان تشکل و همبستگی آنان در جهت ضربه زدن به اسلام و حاکمیت نظام اسلامی است؛ آنان برای تضعیف حاکمیت دین و آسیب‌پذیر ساختن اسلام از اختلافات درونی خود دست برداشته و علیه اسلام متحد می‌شوند. در راستای همین تشکل و همبستگی که میان منافقان وجود داشت هم کانون‌های توطئه علیه اسلام می‌ساختند، که نمونه آن ساخت مسجد ضرار بود؛ و هم جلسات توطئه برای بررسی راه‌های مقابله با اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌کردند، همانند جلساتی که در آستانه جنگ تبوک برای بازداشتن مردم از شرکت در جنگ در منزل سویلم یهودی تشکیل دادند. همین‌طور، با اینکه در اسلام، جان، مال، ناموس و آبروی انسان‌ها محترم است و احدی به هیچ عنوان حق تعرض به آن را ندارد، جریان نفاق تهمت زدن و افترا بستن به اشخاص را به منظور ضربه زدن به حیثیت اجتماعی آنان در دستور کار خویش قرار داده بودند (خاتمی، پیشین: ۱۲۸) که نمونه عینی و روشن آن جریان افک است که در قرآن کریم در آیات ۱۱ تا ۱۶ سوره نور نیز به آن اشاره شده است. (ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳: ۷۶۴)

– ۷۶۹) در جنگ احزاب و نیز در آستانه آماده شدن سپاهیان اسلام برای جنگ تبوک با شایع ساختن کثرت بیش از حد تعداد نفرات دشمن سعی ورزیدند روحیه مسلمانان را تضعیف نمایند.

۹-۳- شریعت سازی (نمادسازی)

منظور از شریعت سازی تلاش دشمنان جهت نمادسازی‌های دروغین به منظور انحراف اذهان عمومی از دین و آموزه‌های آن است. خداوند متعال نیز در قرآن کریم به دو مورد از این نمادسازی کاذب اشاره می‌نماید: ۱- **گوساله سامری**: (اعراف: ۱۴۲ و ۱۴۷) ۲- **مسجد ضرا**: در سال نهم، بازرگانانی که بین مکه و شام در رفت و آمد بودند به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خبر دادند که هرقل امپراتور روم، آماده حمله به مدینه است. (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۹۹۰). رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) این گزارش را جدی گرفت و در صدد مقابله برآمد. امپراتوری روم سابق دشمنی با مسلمانان را داشت و در امور نظامی و سیاسی از قدرت بالایی برخوردار بود. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برخلاف شیوه همیشگی خود، مقصد سفر نظامی را اعلام کرد تا مردم خود را برای مشکلات و سختی‌های این راه آماده کنند. (ابن سعد، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۶۷-۱۶۵) زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قصد حرکت به منطقه تبوک را داشتند، نمایندگان منافقان نزد پیامبر آمدند و به بهانه‌های مختلف از پیامبر خواستند اجازه دهد در محل خود مسجدی بسازند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جواب و تصمیم نهایی خود را به بعد از بازگشت از سفر موکول کرد. منافقان به ریاست عبدالله بن اُبَیّ در نبود پیامبر منطقه‌ای را انتخاب کرده و با سرعت هرچه تمام‌تر شروع به ساخت مسجد کردند. وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از سفر تبوک به مدینه بازگشت، ساخت آن تمام شده بود. آنان از پیامبر تقاضا کردند که به مسجد آنان برود و با خواندن چند رکعت نماز آنجا را افتتاح کند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به واسطه وحی، از نقشه و توطئه آنان باخبر شد و آنجا را که برای فعالیت‌های گروه‌های سیاسی و ایجاد تفرقه میان مسلمانان ساخته بودند، مسجد ضرار خواند. و دستور داد ساختمان آن را با خاک یکی کنند و تیرهای آن را بسوزانند. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۳۰۵ و طبرسی، ۱۳۷۳، ج:

جدول ۴- گونه‌های امنیتی تهدید نرم علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

گونه تهدید	سطح تهدید
مخالفت علنی قریش با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)	سطح امنیتی تهدید نرم
ایجاد تفرقه و اختلاف	
نفوذ و جاسوسی	
شنیدن قرآن) جلوگیری از نفوذ آئین یکتاپرستی (با تحریم کردن	
ممانعت از تماس مردم با رسول خدا صلی الله علیه و آله	
تهدید آزار رساندن قریش به نومسلمانان	
کارشکنی یهود و مخالفت با اسلام	
ایجاد کانون‌های توطئه و فتنه	
شریعت سازی (نمادسازی)	

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

آسیب‌ها و تهدیدات انقلاب‌های اسلامی گاهی از درون جامعه اسلامی و از سوی مجاهدان متوجه نهضت و انقلاب شده و گاهی از بیرون به قیام اسلامی ضربه می‌زند که این تهدیدات در حوزه‌های مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی و یا امنیتی شکل می‌گیرد. بر اساس مطالعه حاضر مهم‌ترین آسیب‌ها و تهدیدات در سنت نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) را می‌توان در دو بخش به اعتبار ابزار و به اعتبار هدف به شرح ذیل نام برد: تضعیف رهبری با توسل به تهمت‌های ناروا و ترور شخصیت (تهمت جنون، تهمت ساحری، تهمت دروغ‌گویی، تهمت شاعری) خدعه و حيله‌گری، تضعیف و تخریب روحیه، امر به منکر و نهی از معروف، یک‌سونگری به مسائل، غرور و درخواست ستایش بی‌جا، ترس از مردم به‌جای خدا، ترجیح اموال و خانواده به جهاد در راه خدا، بی‌توجهی به جایگاه حقوقی پیامبر، قداست شکنی مکتب و رهبری (تمسخر آیین مقدس اسلام، استهزاء، تمسخر و تحقیر پیامبر، استهزاء و عیب‌جویی از مؤمنان)، عدم اطاعت از پیامبر، انجام عملیات روانی (شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی، استفاده از شعر، شعار، سرود و ترانه، استفاده از هنر قصه‌گویی و نقلی، استعانت از علمای یهود بر ای تخریب و ابطال رسالت)، نفاق منافقان، تحریک دشمنی یهود، موضع‌گیری قریش در برابر پیامبر و اسلام، مخالفت علنی قریش با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، ایجاد تفرقه و اختلاف، نفوذ و جاسوسی، جلوگیری از نفوذ آئین یکتاپرستی (تحریم کردن شنیدن قرآن و...)، ممانعت از تماس مردم با رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، تهدید و آزار رساندن قریش به نومسلمانان، کارشکنی یهود و مخالفت با اسلام

(پیمان‌شکنی و...) ایجاد کانون‌های توطئه و فتنه، شریعت‌سازی و نمادسازی (گوساله‌سامری مسجد ضرار). پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در کنار انجام رسالت و ابلاغ وحی الهی به مردم، به عنوان حاکم اسلامی و رهبر اجتماعی امت نوپای مسلمان از شیوه‌ها و روش‌های گوناگون برای ایجاد امنیت و آرامش همه جانبه اسلامی خود استفاده می‌کرد طوریکه خداوند متعال در قرآن مجید آن حضرت را الگویی نیک برای امت اسلام معرفی فرموده است. بنابراین شایسته است که همه دولت‌های اسلامی در کشورداری و به خصوص تأمین امنیت اجتماعی در همه ابعاد آن رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را الگوی خود قرار دهند و با استفاده از روش‌ها و ابزارهای نوین هر عصر، ضمن شناخت دقیق تهدیدات، ملت خود را از گزند خطرها و آسیب‌هایی که از ناحیه دشمن مستکبر متوجه آن‌هاست، در امان دارند، خطرانی که گاه ناشی از اختلافات درونی و نفوذ نفاق در صفوف مسلمانان است و گاهی به سبب تهدید و حملات دشمنان خارجی خواهد بود.

بنابراین **پیشنهاد** می‌گردد برای بهره‌برداری هر چه بیشتر و بهتر آموزه‌های دینی در امور زندگی و مدیریتی، ابعاد مختلف زندگی و مدیریتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین علیه السلام توسط محققان این حوزه، مورد واکاوی و بازشناسی قرار گرفته تا مبنای عمل مدیران و خدمتگزاران جامعه اسلامی بشود. در جمع‌بندی نهایی می‌توان مدل تحلیلی تحقیق را در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی به اعتبار هدف و ابزار مورد استفاده، به تفکیک در ماتریس زیر ترسیم نمود. که در آن فراوانی اعمال تهدیدات به اعتبار هدف، بیشتر از ابزار مشهود است.

جدول ۵- مدل تحلیلی تهدید نرم علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

ابزار	هدف	معیار تهدید
		سطح تهدید
تهمت جنون	تضعیف رهبری با توسل به تهمت‌های ناروا و ترور شخصیت	سطح فردی تهدید نرم
تهمت ساحری		
تهمت دروغ‌گویی		
تهمت شاعری		
خدعه و حيله‌گری	تضعیف و تخریب روحیه	

ابزار	هدف	معیار تهدید سطح تهدید
	امر به منکر و نهی از معروف یک‌سونگری به مسائل غرور و درخواست ستایش بی‌جا ترس از مردم به جای خدا ترجیح اموال و خانواده به جهاد در راه خدا بی‌توجهی به جایگاه حقوقی پیامبر	سطح اجتماعی تهدید نرم
تمسخر آیین مقدس اسلام استهزاء، تمسخر و تحقیر پیامبر استهزاء و عیب‌جویی از مؤمنان	قداست شکنی مکتب و رهبری (بی‌ارزش جلوه دادن اسلام و استهزای رسول اکرم و یارانش) عدم اطاعت از پیامبر انجام عملیات روانی شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی استفاده از شعر، شعار، سرود و ترانه استفاده از هنر قصه‌گویی و نقالی استعانت از علمای یهود بر ای تخریب و ابطال رسالت	سطح سیاسی تهدید نرم
	نفاق منافقان تحریک دشمنی یهود موضع‌گیری قریش در برابر پیامبر و اسلام	
تحریم کردن شنیدن قرآن	مخالفت علنی قریش با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ایجاد تفرقه و اختلاف نفوذ و جاسوسی جلوگیری از نفوذ آئین یکتاپرستی ممانعت از تماس مردم با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)	سطح امنیتی تهدید نرم

ابزار	هدف	معیار تهدید سطح تهدید
	تهدید و آزار رساندن قریش به نومسلمانان	
پیمان شکنی	کارشکنی یهود و مخالفت با اسلام	
	ایجاد کانون‌های توطئه و فتنه	
گوساله سامری - مسجد ضرار	شریعت سازی (نمادسازی)	

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابن اثیر، **تاریخ کامل**، ترجمه محمدحسین روحانی، ۱۳۷۴، تهران، انتشارات اساطیر، ج دوم
- ابن خلدون، **العبر**، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ۱۳۷۵، تهران، پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج اول
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۰۸ق، **تاریخ ابن خلدون**، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر، ج ۸
- ابن سعد، **طبقات**، ترجمه محمد مهدوی دامغانی، ۱۳۶۹، تهران، نشر نو، ج اول
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ق، **تفسیر القرآن العظیم**، تحقیق محمد حسین شمس‌الدین، بیروت، دار الکتب العلمیة و منشورات محمد علی بیضون، ج ۹
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۵ق، **لسان العرب**، قم، نشر آدب الحوزه، ج ۱۰
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۹ه.ق، **لسان العرب**، لبنان، دارالاحیاء التراث العربی، ج سوم.
- ابن هشام، عبد الملک (بی تا)، **السیرة النبویة**، تحقیق مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری و عبدالحفیظ حلبی، بیروت، دارالمعرفة، ج ۲.
- ابن هشام، ۱۴۱۳ ه، ۱۹۹۳ م، **السیرة النبویة**، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، الجزء الاول
- ابن هشام، عبد الملک، ۱۳۵۵، **السیرة النبویة**، مصر، ج ۱ و ۲ و ۳
- افتخاری، اصغر، ۱۳۸۵، **کالبدشکافی تهدید**، تهران، دانشگاه امام حسین (ع).
- افتخاری، اصغر، ۱۳۸۰، **ناامنی جهانی**؛ تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر، ۱۳۹۱، **تهدید نرم: رویکردی اسلامی**؛ تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- افتخاری، اصغر، ۱۳۹۲، **امنیت اجتماعی شده: رویکردی اسلامی**؛ تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افتخاری، اصغر، ۱۳۸۰، **امنیت جهانی**، رویکردها و نظریه‌ها؛ تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- الاصفهانی، راغب، ۱۴۲۷ه.ق، مفردات الفاظ القرآن الکریم، بی جا، طبعه النور.
- الجوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۹۹ه.ق، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، بیروت، دارالعلم للملایین.
- الطریحی، فخر الدین، ۱۴۱۶ه.ق، مجمع البحرین، قم، مؤسسه البعثه.
- آیتی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۶، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، دانشگاه تهران
- بلاذری، *انساب الاشراف*، تحقیق دکتر حمیدالله محمد، ج ۱.
- جوادی آملی، عبد الله، ۱۳۸۹، *ولایت فقیه؛ ولایت فقاهت و عدالت*، قم، اسراء.
- جعفریان، رسول، ۱۳۶۸، تاریخ سیاسی اسلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج دوم
- خاتمی، سیداحمد، ۱۳۷۹، سیمای نفاق در قرآن، قم، شفق
- حکیم، محمد تقی، بی تا، سنت در قانونگذاری اسلام، ابراهیم سیدعلوی، تهران، شریعت ..
- حسنی، هاشم معروف، ۱۳۷۰، سیره المصطفی، ترجمه حمید ترقی جاه، تهران، حکمت
- دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۶، *راهبردهای مقابله با تهدیدات نرم امریکا*؛ تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- زریاب، عباس، ۱۳۷۰، سیرت رسول الله، تهران، سروش، بخش اول
- سبحانی، جعفر (بی تا) *فروغ ولایت*.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۷۵، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ج ۴ و ۱
- قاضی ابرقوه، ۱۳۷۳، سیرت رسول الله، ترجمه رفیع الدین اسحاق بن محمد (قاضی ابرقوه)، ویرایش جعفر مدرس صادقی، تهران، نشر مرکز،
- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۶۳، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر، ج سوم
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ج ۲
- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲۰.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۳، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو، ج ۱۰.
- قمی، ابراهیم بن محمد، ۱۳۶۷، *تفسیر القمی*، تحقیق طیب موسوی جزایری، تهران، دار الکتب،

ج ۲.

- قبلان، عبدالامیر، ۱۳۰۸ ق، المنافقون فی القرآن، نجف، مطبعة النعمان
- گرو مطالعاتی دانشکده امنیت ملی، ۱۳۸۸، *تهدید نرم و راهبردهای مقابله*، تهران، دانشگاه عالی
دفاع ملی، چاپ اول.

- مدرسی، محمدتقی، ۱۳۷۸، *لکی نواجه النفاق*، تهران، دارمحبی الحسین علیه السلام
- مرادیان، محسن، ۱۳۸۸، *تهدید امنیت*، تهران، انتشارات مرکز آموزش و پژوهشی شهید صیاد
شیرازی

- معین، محمد، ۱۳۷۵، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، جلد هجدهم

- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰، *پانزده گفتار*، تهران، صدرا

- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ج ۲۵.

- محلاتی، رسول، بی تا، *زندگانی حضرت محمد صلوات الله علیه واله*

- مدرسی، محمدتقی، ۱۳۷۸، *لکی نواجه النفاق*، تهران، دارمحبی الحسین علیه السلام

- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۶۳، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۹، *پیام امام امیرالمومنین علیه السلام*، تهران، دارالکتب
الاسلامیه، چاپ اول، ج ۱۰.

- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، چاپ اول، جلد ۲۷ و ۱۲.

- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا و دانشمندان، ۱۳۸۱، *اخلاق در قرآن*، قم، مدرسه الامام
علی بن ابیطالب علیه السلام، ج ۳.

- نایینی، علی محمد، بی تا، *ابعاد تهدید نرم در استراتژی امنیت ملی امریکا*.

- واقدی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹، *المغازی*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۲ و ۱

- واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۱ ق، *اسباب نزول القرآن*، تحقیق کمال بسیونی زغلول، بیروت، دار
الکتب العلمیه.

- هیکل، محمدحسین، *زندگانی محمد صلی الله علیه وآله*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ۱۳۷۵، تهران،

سازمان تبلیغات اسلامی، ق اول

- یعقوبی، ابن واضح، بی تا، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، مرکز نشر انتشارات،

◆ ۱۰۵ گونه‌شناسی تهدیدات نرم علیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

علمی و فرهنگی، ج ۱۰

- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت، دار صادر، ج ۲.

